مسابقه کتاب خوانی

دانشگاه و دانشگاهیان در اندیشه رهبر انقلاب

دعوت الهی

انبیا آمدند، از اول هر نبی‌ای آمده است تا آخر، فقط شغلش این بوده که انسان درست بکند، تربیت کند انسانها را. شغل معلمی همان شغل انبیا است. پیغمبر اکرم معلم همه بشر است، و بعد از او حضرت امیر- سلام‌اللّه علیه- باز معلم همه بشر است. آنها معلم همه بشر هستند، شما معلم یک عده از بشر. شغل همان شغل است؛ یعنی شعبه همان است؛ کار، یک کار است؛ آنها در یک محیط وسیعتر، و ما در یک محیط کوچکتر. بنابراین، این شغل شما [نیز] یک شغل بسیار شریفی است؛ لکن مسئولیتش هم بسیار زیاد است؛ چنانکه مسئولیت انبیا بسیار زیاد بود. انبیا به همان مقدار که برای آدمسازی آمده بودند مسئولیتشان زیاد بود. منتها آنها مسئولیتشان را به انجام رساندند، کارهایی که به آنها محول بود به انجام رساندند. شما شغلتان بسیار شریف است و همان شغل انبیا است؛ مسئولیتتان هم همان مسئولیت است. ۲۱/ ۳/ ۵۸

هدایت مردم

سرّ بعثت رسول اکرم تزکیه امت است و تعلیم و تربیت امت. آن هم تعلیم تمام قشرهای تعلیم که کتاب و حکمت تمام قشرهای تعلیمات را واجد است. بعد از آنکه تعلیم و تربیت را ذکر کرده است، ذکر علمای سوء را می‌فرماید: آنهایی که علم را آموخته‌اند لکن عمل به آن علم نمی‌کنند و با بدترین وجه از آنها اسم برده است: مَثَلُ الَّذِینَ حُمِّلُوا التَّوْراةَ ثُمَّ لَمْ یَحْمِلُوها کَمَثَلِ الْحِمارِ یَحْمِلُ أَسْفاراً مَثَل آنها که عالِم شده‌اند لکن علم در آنها اثر خودش را نگذاشته است مَثَل الاغی می‌ماند که بارش کتاب باشد! وقتی که علم در انسان تأثیر نکند و انسان را انسان نکند، این حمل کتاب، چه در سینه‌ها باشد و چه در پشت باشد! مَثَل اینها، مَثَل آن اشخاصی هست که، مَثَل حیوانی هست، مَثل الاغی هست، که کتاب به دوش او باشد: همان طور که کتاب برای آن حیوان هیچ فایده ندارد، این علمی که دنبالش تعهد نباشد، دنبالش عمل نباشد، دنبالش رشد فکری نباشد، دنبالش هدایت مردم نباشد، این نظیر همان است که به دوشش کتاب باشد، بلکه به دوش یک حیوان و یک الاغ کتاب باشد. ۲/ ۶/ ۵۸

(1).« وصف حال آنان که تحمل(علم) تورات کردند و خلاف آن عمل نمودند در مثل به حماری می‌ماند که بار کتابها برپشت کشد»؛(جمعه/ 5).

آدم‌سازی

با شغل دانشگاهی و روحانی اگر چنانچه به شرایط عمل بشود، انسان درست می‌شود. این است که این شغل، شغل انبیا بوده است. تمام انبیا برای آدم درست کردن آمدند؛ و قرآن کتاب‌آدم‌سازی است. ۳/ ۳/ ۵۸

قرآن، مشوّق تحصیل

حکومت اسلامی اگر چنانچه تأسیس بشود نمی‌خواهد که آثار تمدن را از بین ببرد، با دانشگاه مخالف نیست، با علم مخالف نیست. قرآن پُر این است که تفسیرِ، تأویلِ علم را از آن تعریف می‌کند و- عرض می‌کنم که- احادیث ما از علم آنقدر تعریف می‌کنند، از عالم آنقدر تعریف می‌کنند، آن وقت ما بگوییم که با علم مخالفند! خیر، با این نحو علمی که شما دارید ما مخالفیم؛ با این نحو تربیت و تعلیمی که شماها می‌خواهید ما را تربیت کنید، با این ما مخالفیم؛ با آن مظاهر تمدن که بچه‌های ما را فاسد می‌کند، بچه‌های ما را عقب مانده نگه می‌دارد، ما با آن مخالفیم؛ نه اینکه ما مخالفیم با اصل تمدن و می‌خواهیم مردم را برگردانیم به زمان کذا. ۱/ ۱۰/ ۵۷

صرف جوانی در راه علم

جوانها قدر جوانیشان را بدانند که صرف کنند در علم و در تقوا و در سازندگی خودشان که اشخاص امین صالح بشوند که مملکت با اشخاص امین صالح می‌تواند مستقل باشد. همه این پیوستگیهایی که ما به خارج پیدا کردیم دنبال این بود که ما رجال صالح نداشتیم. آن وقت اگر رجال صالحی بودند، کنار بودند؛ کنار گذاشته بودند. آنهایی که در میدان بودند رجال صالح نبودند، دانشمند هم بودند، اما رجال صالح نبودند، به درد مملکت نمی‌خوردند! و آنها بودند که ما را پیوسته به خارج کردند و سالهای طولانی مملکت ما در حلقوم خارجیها منافعش فرو رفت؛ و به ما آن کردند که الآن می‌بینید که هیچ نداریم. شماها ذخایر این مملکت هستید، جوانید، دانشجو هستید، ذخیره این مملکت هستید، طوری بکنید که این ذخیره‌ها برای مملکتتان مفید واقع بشود و خودتان را اصلاح بکنید تا ان‌شاءاللّه یک انسانهای متعهد صحیح‌العمل امین؛ کشورتان دست خودتان و خودتان اداره‌اش بکنید. آدم امین را هیچ کس نمی‌تواند مُعْوَجش کند. اشخاصی که اعوجاج دارند اینها امانت ندارند؛ اینها صلاحیت ندارند. ۱۷/ ۴/ ۵۸

کوشش در راه علم

باید کوشش در راه علم و به دست آوردن تخصص در رشته‌های مختلفه اساس فعالیت دانشجویان عزیز باشد؛ که نیازمندیهای میهن به دست خود آنها برآورده و کشور ما با کوشش شما خودکفا شود. مع‌الأسف در دوران گذشته اساس بر آن بود که ما را در هر چیز وابسته کنند؛ و با ملت ما آن کنند که دستش برای هر چیز پیش دیگران دراز باشد. شما عزیزان کوشش کنید که از این وابستگی بیرون آیید و احتیاجات کشور خودتان را برآورید. و از نیروی انسانی و ایمانی خودتان غافل نباشید، و از اتّکال به اجانب بپرهیزید؛ و استقلال خود را در تمام ابعاد بیمه کنید. و از هیاهوی غرب و غربزدگان نهراسید که خداوند متعال با شماست. ۳۱/ ۶/ ۵۸

کسب علم، همه جا و همیشه

معلم و دانشجو محصور به معلمهای دانشگاهها یا دبیرستانها یا سایر جاها نیست و دانشجو هم محصور نیست به همانهایی که دانشگاه می‌روند. عالَم یک دانشگاهی است و انبیا و اولیا و تربیت شده‌های آنها معلّم هستند و سایر بشر دانشجو و باید دانشجو باشند. عالَم باید، تمام دنیا باید دو طبقه داشته باشد: یک طبقه معلّم و استاد و یک طبقه دانشجو و متعلّم. وظیفه معلّم هدایت جامعه است به سوی اللّه و وظیفه دانشجو تعلّم. ۶/ ۶/ ۵۹

سفارش به علم و دانش در قرآن کریم

اشکال ما این است که مواجه هستیم با اشخاصی که بدون توجه به مشکلات و بدون توجه به خواستهای ملت، به مجرد اینکه گفته می‌شود که فلان مرکز باید اسلامی باشد، آنها می‌گویند یعنی تخصص نباشد. اینها می‌خواهند که به دنیا ارائه بدهند که اسلام با علم و تخصص مخالف است، در صورتی که آیات قرآن کریم آن قدر راجع به علم و راجع به دانش سفارش فرموده است که شاید در سراسر کتب دیگر نباشد. اسلام با تخصص، با علم، کمال موافقت را دارد، لکن تخصص و علمی که به خدمت ملت باشد؛ در خدمت مصالح مسلمین باشد. یک صحبت این است که ما متخصص نمی‌خواهیم، این را به طور تبلیغات نسبت می‌دهند به بعضی- مثلًا- مسلمین که وقتی می‌گوییم باید در دانشگاه، انقلاب فرهنگی بشود و باید دانشگاهها اسلامی باشد، اینها از این فوراً منتقل می‌کنند مطلب را به اینکه دانشگاهها دیگر طبیب لازم ندارد، متخصص طب نمی‌خواهد، متخصص صنعتهای پیشرفته نمی‌خواهد، فقط باید بروند آنجا و مسائل و احکام اسلامی را بگویند. این از شیطنتهایی است که شاید از بعضی از افراد و گروهها نسبت به اسلام و انجمنهای اسلامی که گفته می‌شود و در خصوص انقلاب فرهنگی، اینطور تبلیغات می‌شود. اینها نمی‌دانند که مقصود ما که می‌گوییم باید تمام گروهها، تمام نهادها و به خصوص دانشگاهها که مرکز علم است و مغز متفکر جامعه است، ما که می‌گوییم باید اینها اسلامی باشد، نمی‌گوییم که ما احتیاج به متخصص نداریم. تا آنجا اسلام کوشش دارد برای متخصص که در احکام عادی هم، در احکام شرعی هم، متخصص‌تر را میزان قرار داده است، رأی متخصص‌تر را میزان قرار داده است. ۴/ ۳/ ۶۰

کسب علم، حتی از کافر

اسلام با تخصص موافق است. اسلام در رأس ادیانی است که از علم و تخصص تمجید کرده و مردم را دعوت کرده است، حتی دعوت کرده است که هر جا یافتید علم را، حتی از هر کافری یافتید، آن را بگیرید، اما باید بگیرید و در خدمت اسلام و کشور باشد، نه علم را بگیرد و بر ضد کشور خودتان استعمال کنید. ۴/ ۳/ ۶۰

ارج نهادن اسلام نسبت به دانشمندان

اسلام برای علم آن‌قدر اجر قائل است که شاید دیگر مسالک آن‌قدر قائل نباشند. اسلام دانشمندها را آن‌قدر ارج می‌گذارد که شاید سایر مسالک آنطور نباشد. در اسلام، دانش بزرگترین چیز است، لکن نه دانش آنطوری که ما را به تباهی بکشد، نه دانشمندان آنطوری که ملت ما را به آغوش غرب یا شرق ببرد. اسلام کوشش دارد که علم را در مغزهای مستقل، در مغزهایی که به طرف شرق و غرب نیستند، در مغزهایی که به اسلام فکر می‌کنند، بار بیاورد. و این استقلال است که می‌تواند کشور ما را مستقل کند. ۲۳/ ۳/ ۶۰

تحصیل و تهذیب، توأم

باید از همین حالا، همین جوان شانزده ساله، همین جوان بیست ساله که [در] مدارس هست، در مدارس علمی هست، از حالا باید آنطوری که رضای خداست، آنطوری که دستورات الهی است، از حالا باید خودش را عادت بدهد به اینکه آنطور باشد. یک قدم که برای تحصیل علم برمی‌دارد، یک قدم هم برای تحصیل اخلاق خوب و تهذیب بردارد. اگر خدای نخواسته عالِمی مهذب نباشد، اگر خدای نخواسته عالمی آنطوری که اسلام می‌خواهد نباشد، این ضررش از نفعش بیشتر است. تمام ادیانی که مخترَع است و تمام ادیانی که اختراع شده است و کذب است، این اشخاص تحصیلکرده مؤسسش هستند، اشخاصی که در حوزه‌های علمیه تحصیل کرده‌اند لکن مهذب نبودند. شما ملاحظه بفرمایید رؤسای مذاهب باطله را، می‌بینید که رؤسای مذاهب باطله تمامشان از اشخاصی هستند که درس خواندند، ملّایند لکن مهذب نبودند. ۲۳/ ۸/ ۴۴

عالم متقی، منشأ خیرات و برکات

مبدأ همه خیرات و مبدأ همه ترقیاتی که برای یک مملکت هست، چه در جهت مادیت و چه در جهت معنویت این است که ایمان در کار باشد. باید شما و ما دست به هم بدهیم برای قشر آتیه که اینها مقدرات مملکت دستشان است، ایمان ایجاد کنیم. شما از دانشگاه مؤمن بیرون بدهید؛ ما از مدرسه‌ها مؤمن بیرون بدهیم؛ نه عالِم. عالِم تنها فایده ندارد. البته مؤمن تنها هم مؤثر خیلی نیست. خوب، قشرهای دیگر هم مؤمن هستند. اما عالِم وقتی مؤمن شد، عالِم وقتی متقی شد، آن است که منشأ خیرات و برکات است، و حفظ یک کشور، یا خدای نخواسته از آن طرف به باد دادن یک کشور است. ۳/ ۳/ ۵۸

اثرات سوء علم در نفوس تزکیه نشده

اگر نفوس تزکیه نشوند، تطهیر نشوند، از آن اوصاف فاسد بیرون نروند، علم اثر سوء در آنها می‌کند. تمام ادیان باطله را علما اختراع کردند. دانشمندها اختراع کردند. برای اینکه علم وارد شده بود در یک جایی که پرورش نداشته، تزکیه نشده. وقتی که علم آمد در جایی که تزکیه نشده، این عالِم که حامل این علم است و مُزکّی هم نیست، خطرناک می‌شود. برای جامعه فرقی نیست ما بین علمای روحانی و علمای دانشگاهی و غیره. اگر در حوزه‌های علمیه و همین طور در دانشگاهها تزکیه نباشد، این علمهایی که در آنجا انباشته می‌شود، یک انباری است که خدای تعالی این تعبیر را در آن فرموده: مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْراةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوها كَمَثَلِ الْحِمارِ يَحْمِلُ أَسْفاراً آن کسی که حتی علم توحید را، علم ادیان را، علم اخلاق را، همه این علوم را دارد لکن تزکیه نکرده نفسش را، این یک موجود خطرناک می‌شود برای جامعه. و یک دانشگاهی که، جوانهایی که در آنجا می‌روند که آموزش ببینند، نه آموزشش آموزش است و نه پرورشش پرورش. و اگر آموزشش هم آموزش صحیح باشد، اگر تزکیه نشده باشد این آدم، بعد از تزکیه تعلیم و تربیت هست، اگر تزکیه نشده باشد و علم وارد بشود در یک قلبی که مُزَکّی نیست، این فساد ایجاد می‌کند. و خدا نکند که فساد از جانب عالِم غیر مزّکی واقع بشود. در احادیث ما هست که در جهنم از بوی تعفن عالِم سوء، جهنمی‌ها در ایذا هستند. ۱۰/ ۴/ ۵۹

صِرف اخذ مدرک، هدفی انحرافی

شما باید در هر جا که تحصیل می‌کنید و جوانها و کودکان ما در سرتاسر کشور، در هر مرکزی که اشتغال به تحصیل دارند باید توجه به این داشته باشند که تحصیل همراه تهذیب و همراه تعهّد و همراه اخلاق فاضله انسانی است که می‌تواند ما را به حیات انسانی برساند. و می‌تواند کشور ما را از وابستگیها نجات بدهد. اگر شما جوانها دنبال تحصیل که می‌روید، دنبال این معنا باشید که یک تصدیقی بگیرید، یک دیپلمی بگیرید و بروید آن را آلت قرار بدهید برای استفاده مادّی خودتان، این همان انحرافی است که آنها می‌خواهند. و اگر شما در مراکزی که هستید یک ایده صحیح داشته باشید و یک غایت صحیح داشته باشید که برای رسیدن به آن غایت مشغول تحصیل باشد، و برای رسیدن به آن امری که خدای تبارک و تعالی می‌خواهد و آن تهذیب نفس و پرستیدن اللّه و دور کردن همه شرکها و همه انحرافها و همه الحادها از خودتان و از مراکزتان، اگر اینطور باشد شما پیروز خواهید شد. و همه انحرافها و همه گرفتاریهایی که برای یک کشور پیش می‌آید برای این است که مراکز تعلیم و تعلّمشان، مراکز تهذیب نیست. این فرقی نیست ما بین مدارس علمی قدیم با مدارس علمی جدید. تا تهذیب نباشد و تعهد نباشد و از اول انسان راه خودش را، صراط مستقیم خودش را نیافته باشد، و تحصیل او دنبال همان ایده صحیح اسلامی نباشد، همین انحراف‌آور است و همین است که ما را و کشورهای اسلامی را یا به طرف چپ می‌برد و یا به طرف راست؛ یا باید کشور، کشور کمونیستی باشد یا کشور، کشور تابع امریکا. از مدرسه شروع می‌شود این مسائل. از مدارس و دانشگاهها این مسائل شروع می‌شود. آنها می‌خواهند که آن چیزی که در دانشگاهها و در مدارس ما، در دبیرستانها و در همه جا حاصل می‌شود این باشد که آن چیزی که نتیجه زحمات طولانی ملت است و زحمات طولانی جوانهای ماست، برای آنها باشد. ۲/ ۱۱/ ۵۹

تعهد همراه تخصص

شما اگر تخصصی پیدا می‌کنید باید آن بُعد زهد و تعهد را در نظر داشته باشید، زیرا متخصص بدون تعهد اگر برای رژیمی ضرر نداشته باشد نفعی هم ندارد. ۶/ ۲/ ۶۲

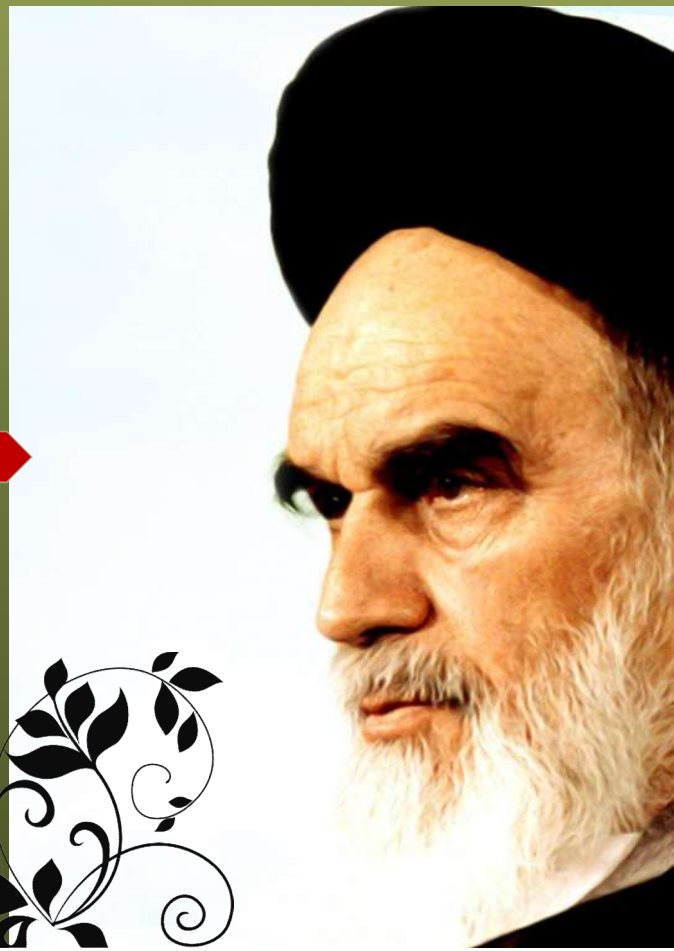

ضرر علم بدون تقوا

اگر علم تنهای بی‌تقوا باشد، ولو علم توحید باشد، ولو علم ادیان باشد، در آن عالم ارزش ندارد. علم تنها اگر ضررش بر ملتها و بر اسلام بالاتر از نفعش نباشد- که هست- باید گفت که بی تقوا می‌تواند که یک کشوری را، یک انسانهایی را به باد فنا بدهد. و آن کسی که عالمتر است بهتر می‌تواند که مردم را فاسد کند. ۵/ ۱۰/ ۶۱

صدمات اسلام از عالمهای بی‌تقوا

کراراً عرض کرده‌ام که علم بی تقوا اگر مضر نباشد، مفید هم نیست. آن مقداری که اسلام از عالم‌های بی‌تقوا صدمه دیده است، معلوم نیست از مردم عادی دیده باشد. آنچه اصل است تقواست، ولی اگر همین تقوا نزد اشخاصی جاهل باشد، گاهی ضرر می‌زند. آدم‌هایی که ظاهر صالح دارند ممکن است به واسطه ناآشنایی به مبانی اسلام، اشتباهاتی انجام دهند، اما علم و تقوا اگر در کسی جمع شد در دنیا و آخرت سعادتمند است. ۱۳/ ۶/ ۶۲

فصل دوم: دانشگاه قبل از انقلاب اسلامی

فرهنگ استعماری و عدم رشد واقعی

وابستگی با وجود دانشگاه در داخل

ترقی مملکت به دانشگاه است که آن را به این صورت در آورده‌اید. صد سال است به یک معنی دانشگاه داریم اما هنوز یک لوزتیْن سلطان را می‌خواهند عمل کنند باید از خارج طبیب بیاید! سد کرج را باید خارجیها درست کنند! یک خط و جاده را باید خارجیها بیایند بکشند! اینها را التزامات بین‌المللی اقتضا می‌کند؟! اگر مهندس و طبیب دارید، فرهنگ دارید؟ اگر می‌گویید فرهنگ داریم، ذخایر داریم، محصل داریم، طبیب و مهندس داریم، پس چرا از خارج استخدام می‌کنید؟ چرا ماهی صد هزار تومان به یک خارجی می‌دهید؟! جواب بدهید! اگر ندارید، واسفا به این مملکت، صد سال است فرهنگ و دانشگاه دارد؛ ولی دکتر ندارد، مهندس ندارد. ۱۱/ ۹/ ۴۱

تأسیس دانشگاه اسلامی، خیال واهی رژیم

می‌خواهند آقایان- خنده دارد واقعاً این حرفها- می‌خواهند آقایان دانشگاه اسلامی تأسیس کنند؛ شنیده‌ام چندین میلیون هم بودجه برایش درست کرده‌اند؛ شما اگر برای اسلام دلسوز هستید، خوب این دانشگاه ما، اوناها، آنجاست؛ چرا خرابش می‌کنید؟ اگر شما واقعاً متوجه شدید که اسلام لازم است بودنش، احکام اسلام باید باقی باشد، علمای اسلام باید باقی باشند، ما به خیر شما هیچ امیدی نداریم بابا، شرّ نرسانید. ۲۶/ ۱/ ۴۳

(1). اشاره به تصمیم رژیم شاه برای تشکیل دانشگاه اسلامی که در حقیقت طرحی برای تعطیل کردن حوزه‌های علمیه ودولتی کردن طلاب و روحانیون بود.

انحراف فکری دانشجویان، تربیت استعماری

دانشجو از امریکا به من نوشته است که دانشجوها می‌گویند که هر چه بدبختی هست از اسلام است. ای بیچاره دانشجوها! هر چه بدبختی هست از سران اسلام است؛ از دول اسلامی است. اسلام یک روز هم در مملکت ما عمل نشده. ۱۸/ ۶/ ۴۳

مکاتب رنگارنگ جهت انحراف جوانان

عوامل و ایادی استعمار که می‌دانند با آشنایی ملتها بخصوص نسل جوان تحصیلکرده به اصول مقدسه اسلام، سقوط و نابودی استعمارگران و قطع دست آنان از منافع ملتها و کشورهای استعمار شده قطعی خواهد بود، به کارشکنی پرداخته و می‌کوشند که با سمپاشیها و مشوب ساختن اذهان و افکار جوانان، از جلوه‌گر شدن چهره تابناک اسلام جلوگیری نمایند و با عناوین فریبنده و مکتبهای رنگارنگ، جوانان ما را منحرف سازند. بر شما جوانان مسلمان لازم است که در تحقیق و بررسی حقایق اسلام در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و غیره، اصالتهای اسلامی را در نظر گرفته و امتیازاتی که اسلام را از همه مکاتب دیگر جدا می‌سازد فراموش نکنید. مبادا قرآن مقدس و آیین نجاتبخش اسلام را با مکتبهای غلط و منحرف کننده‌ای که از فکر بشر تراوش کرده است خلط نمایید. باید توجه داشته باشید تا روزی که ملت اسلام پایبند این مکتبهای استعماری می‌باشد یا قوانین الهی را با آن مقایسه می‌کند و در کنار هم قرار می‌دهد، روی آسایش و آزادی نخواهند دید. و این مکتبهایی که از چپ و راست به ملت اسلام عرضه می‌شود فقط برای گمراهی و انحراف آنان است و می‌خواهند مسلمانان را برای همیشه خوار و ذلیل و عقب‌مانده و اسیر نگه دارند و از تعالیم آزادیبخش قرآن کریم دور سازند. استعمار چپ و راست، دست به دست هم داده برای نابودی ملت اسلام و کشورهای اسلامی کوشش می‌کنند، و در راه اسیر کردن بیشتر ملتهای مسلمان و غارت سرمایه سرشار و منابع طبیعی آنان با یکدیگر سازش کرده‌اند. ۱۷/ ۵/ ۵۱

بیداری دانشگاهیان

با همه مصیبتها، بیداری ملت مایه امید است. مخالفت دانشگاههای سرتاسر ایران- به حَسَب اعتراف شاه- و مخالفت علمای اعلام و طبقه محصلین و طبقات مختلف ملت با همه فشارها و قلدریها، طلیعه به دست آوردن آزادی و رهایی از قید استعمار است.
۲۰/ ۴/ ۵۴

قبضه دانشگاه توسط شخصیتهای استعماری

اگر دانشگاه ما یک دانشگاه صحیح استقلالی بود، مستقل بود، و اشخاصی که در آنجا- اگر صالحی هم در آنجا باشد- می‌توانستند که کاری را که می‌خواهند و صلاح است انجام بدهند، روزگار مملکت ما به اینجا نمی‌رسید؛ و به بدتر از اینکه نسل آتیه شاید- خدای نخواسته- بشود. دانشگاه ما را اشخاصی قبضه کردند که اینها خودشان انگل هستند، و خودشان استعماری هستند، و خودشان نوکرمآب هستند. دی ۱۳۵۶

دانشگاه وابسته، فرهنگ وابسته

می‌آییم سراغ فرهنگ [آیا] یک فرهنگ مستقل ما داریم؟ فرهنگی که دخالت غیر در او نباشد؟ یک دانشگاههایی که مستقل باشد و خودش فکر کند؟ تحت فرمان خود رئیسهای دانشگاه باشد؟ ما همچو چیزی داریم؟ ما همچو فرهنگی خواب دیدیم؟ از آن وقتی که فرهنگ [پدید آمده است] از اول مشروطه تا حالا، [آیا] ما یک فرهنگی که فرهنگ صحیحی باشد داشتیم؟ یا یک فرهنگ وابسته بوده؟ یعنی فرهنگی بوده است که دیگران برای ما درست کردند! دلیل این است که اگر لوزه یک شاهزاده زهرماری ورم بکند و مرض لوزه پیدا کند، از امریکا و اروپا برایش طبیب می‌آورند یا می‌برند آنجا! اگر ما یک فرهنگ صحیحی داشتیم، ... اگر دانشگاه مستقل صحیح داشتیم، طبیب صحیح مستقل داشتیم. ما یک اسفالت وقتی که می‌خواهیم درست بکنیم، دستمان را دراز می‌کنیم که از یک جای دیگر بیایند برای ما اسفالت کنند ... ما یک بنا می‌خواهیم، یک مریضخانه می‌خواهیم درست کنیم، باید حتماً از خارج بیاید یک کسی نقشه بدهد برایش که چه جوری درست بکنیم! اگر ما فرهنگی داشتیم- الآن بیشتر از هفتاد سال است که ما مدارس جدید داریم از آن وقتی که «دارالفنون» درست شده است، و چقدر سالهاست که ما دانشگاه داریم- اگر این دانشگاهها یک دانشگاههایی بود که به نفع این ملت بود، یعنی این جوانهای ما را گذاشته بودند درست تحصیل کرده بودند، برنامه برنامه استعماری اگر نبود، آدم درست شده بود حالا. حالا جوانهای ما جوانهایی بودند که در مقابل دولت می‌ایستادند. اگر ما یک دانشگاه مستقل داشتیم، کار مملکت ما نمی‌رسید به اینجایی که هر جایش دست بگذاری خراب است. این نیروی مهم مملکت ما، که عبارت از نیروی جوان است، این را از بین بردند. دیگر این نیروها را همه را به هدر داده‌اند. این جوانهایی که در خارج آمدند در همین قضیه نیروی اتمی و انرژیِ- نمی‌دانم- کذا، اینجا کار می‌کنند در خارج، اینها پیش من آمدند، دو دسته‌شان آمد- یک دسته‌شان هم زیاد بود جمعیتشان آمدند- یک دسته‌شان می‌گفتند ... به اینکه ما را نمی‌گذارند تحصیل کنیم! ما را در یک حد پایین نگه داشته‌اند، نمی‌گذارند بالا برویم. تحصیلات ما در ایران زیادتر از این مقداری است که حالا اینجا [به] ما [تعلیم] می‌کنند! ما را آورده‌اند اینجا در یک سطح پایینی نگه داشته‌اند برای اینکه ترقی نکنیم. نمی‌گذارند جوانهای ما تحصیل بکنند. در داخل ایران و دانشگاههای ایران نمی‌گذارند که [رشد کنند] یعنی برنامه یکجور برنامه‌ای است که اینها را در یک حد معینی نگه دارند. برنامه استعماری است. یک فرهنگ وابسته ما داریم. ما یک فرهنگ مستقل نداریم. [با] این فرهنگ وابسته به دولتهای استعماری می‌خواهند که [نسل جوان] را همین طور عقب‌مانده نگه دارند. آن آقا که می‌گوید که من [به] «دروازه تمدن بزرگ» [رسیده‌ام]! به دست این آقا این جوانهای ما الآن در مرتبه پایین قرار گرفته‌اند و هیچ نمی‌گذارند اینها ترقی بکنند. این هم فرهنگ ما که فرهنگ استعماری و عقب نگه داشته شده [است] که نگذارند جلو برود. نه طبیب یک طبیبِ تام و تمامی باشد، نه یک مهندس درستی از کار در آید، یا- نمی‌دانم- نه یک [متخصص] دیگری. تمام اینها را. اصلًا مملکت را از حیث قوه نیروی جوان فلج کرده‌اند. ۲۹/ ۸/ ۵۷

(1). اشاره به ادعاهای پوشالی شاه مخلوع است.

ترس از دانشگاه و دانشگاهیان

اینها از دانشگاهْ هم می‌ترسیدند. می‌دیدند که خوب اینها یک قوه متفکره‌ای هستند که جوان هم هستند، ممکن است از اینجا باز یک قدرتی پیدا بشود در مقابلشان، دانشگاه [را] هم به طریقهای مختلف کوبیدند. طریقهای مختلفی داشتند تا توانستند اینها را به واسطه همین تبلیغات منحرف کردند؛ اذهانشان را منحرف کردند. یک کارهای مهمی اینها کردند برای اینکه طبقه جوان را هر چه هست مشغول کنند به خودشان و نگذارند که اینها در مقدّرات مملکت دخالت بکنند. اگر دانشگاه را به حال خودش می‌گذاشتند و تبلیغات در کار نبود و کارشکنی در کار نبود، از دانشگاه خوب متفکرهایی پیدا می‌شدند که در فکر این بودند که دارند دیگران می‌چاپند ما را، یک علاجی بکنیم. اینها طبقه جوان‌را، که این کارها از آنها می‌آمد و می‌آید، به طریقهای مختلف مشغول می‌کردند. ۳۰/ ۴/ ۵۸

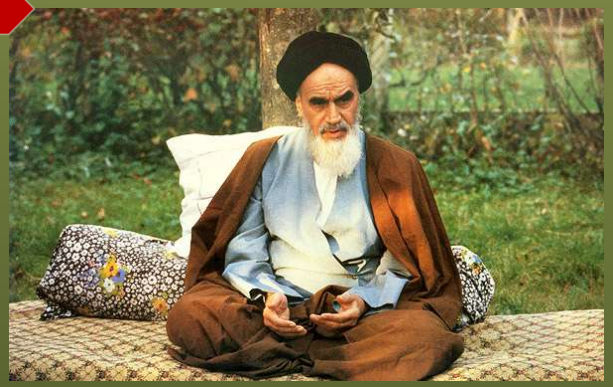

دزدیدن مغزها

وضع جوری شده است که هر کس هر مرضی پیدا می‌کند راه می‌افتد برای خارج. این برای چیست؟ برای اینکه مغز ما دزدیده شده است و یک مغز دیگری جای آن گذاشته شده؛ مغز استعماری! یک مغز استعماری ما الآن داریم. و تا این مغز استعماری را ما عوض نکنیم یک مغز استقلالی جایش نگذاریم نمی‌توانیم این مملکت را اداره کنیم. هر چه بخواهید هم درست کنید نمی‌شود. کوشش کنید که این مغز عوض بشود. اساتید دانشگاه ما کوشش کنند که این جوانهای ما مغزهاشان عوض بشود. یک مغز استقلالی باشد، نه استعماری. آن مغزی نباشد که درست کردند برای ما و مغز خودمان را از ما گرفتند. مستقل باشند اینها. فرهنگ هم باید اینطور باشد. اقتصاد هم باید اینطور باشد. ۲۱/ ۹/ ۵۸

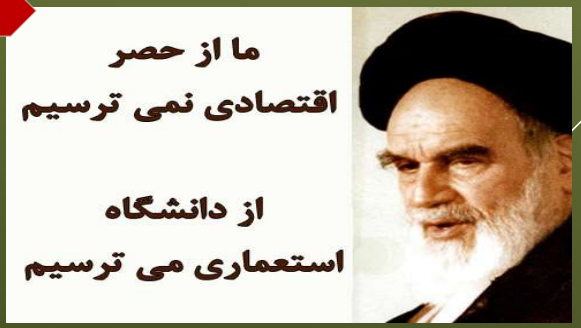

دانشگاهها در خدمت استعمارگران

ملت مسلمان و پایبند به اسلام خوف آن دارند که خدای نخواسته فرصت از دست برود و کار مثبتی انجام نگیرد، و فرهنگ همان باشد که در طول مدت سلطه رژیم فاسد کارفرمایان بی‌فرهنگ، این مرکز مهم اساسی را در خدمت استعمارگران قرار داده بودند، که از دستاوردهای دانشگاهها به خوبی ظاهر می‌شود که جز معدودی متعهد و مؤمن که علی‌رغم خواست دانشگاهها در خدمت کشور و اسلام بودند، دیگران جز ضرر و زیان چیزی برای کشور ما بار نیاوردند. ۲۳/ ۳/ ۵۹

ضربه‌های مهلک دانشگاه بر کشور

ضربه‌های مهلکی که بر کشور مظلوم ما در این پنجاه سال اخیر از دانشگاهها و اساتید منحرفی که با تربیت غربی بر مراکز علم و تربیت حکمفرما بودند وارد آمد از سر نیزه رضاخان و پسرش وارد نشد. البته اساتید و معلمان متعهدی بودند، لکن زمام امور در دست آنان نبود. ما از شرّ رضاخان و محمدرضا خلاص شدیم، لکن از شرّ تربیت‌یافتگان غرب و شرق به این زودیها نجات نخواهیم یافت. اینان برپادارندگان سلطه ابرقدرتها هستند و سرسپردگانی می‌باشند که با هیچ منطقی خلع سلاح نمی‌شوند، و هم اکنون با تمام ورشکستگیها دست از توطئه علیه جمهوری اسلامی و شکستن این سدّ عظیم الهی برنمی‌دارند. ۷/ ۱۰/ ۶۰

سرکوب و حمله به دانشگاه

حمله به دانشگاه با بهانه‌های واهی

مبارزه با علم و فرهنگ با شدت هر چه بیشتر ادامه دارد و می‌خواهند ملت بدبخت را به دستور استعمارگران عقب مانده نگه دارند. با ادعای اسلام و تظاهر به مسلمانی کمر به نابودی اسلام بسته و احکام مقدسه قرآن را یکی پس از دیگری محو و نابود می‌کنند. علمای اعلام و محصلین علوم اسلامی در تحت فشار عمال استعمار دست و پا می‌زنند. مدارس علوم دینیه، مساجد و محافل اسلامی را می‌خواهند قبضه کنند و این برنامه را مقداری عملی کرده‌اند. با بهانه‌های بی‌اساس به دانشگاهها حمله می‌کنند و جوانان ارجمند ما از دانشگاه به زندان و سربازخانه می‌کشانند. حوادث اخیر دانشگاههای ایران و یورش وحشیانه و بی‌رحمانه دستگاه جبار به دانشجویان، سخت ما را متأسف ساخته. این روش غیرانسانی نمونه دیگری از نقشه‌های استعمارگران برای سرکوبی دانشگاهها و دانشجویان می‌باشد. من این اعمال چنگیزی و قرون وسطایی را شدیداً تقبیح می‌کنم؛ و اطمینان دارم که دانشجویان غیور وطنخواه هرگز عقب‌نشینی نکرده تسلیم نخواهند شد. بهمن ۱۳۴۹

سرکوب و سلب مصونیت از دانشگاهیان

باید به اسم «مأموریت برای وطنم»، این وطن به حال خرابی و عقب‌افتادگی باقی باشد و اسلام که تنها پناهگاه این ملت و سد راه اجانب است شکسته شود. گویی مأمور است که طبقه جوان روشن را چه روحانی و چه دانشگاهی سرکوب کند؛ مأمور است که مدارس دینی را هتک و علمای اسلام را حبس و زجر کند؛ مأمور است مقدسات کشور را به دست اسرائیل و مربیان آن بدهد؛ مأمور است که سرمایه‌گذاران خارجی را به باقیمانده ثروت کشور مسلط کند؛ مأمور است که موجبات فحشا را با هر صورت اشاعه دهد و هتک نوامیس قرآن کند؛ مأمور است که مستشاران خارجی و کارمندان آنان را مصونیت دهد و از ملت و روحانیون و دانشمندان و دانشجویان سلب مصونیت نماید. ۲۰/ ۶/ ۵۱

دانشگاه یا قتلگاه جوانان

او که امروز به سیاسیون و جوانان ملت روی آورده و از آنان برای وطن استمداد می‌کند، همان است که گروههایی از آنان را اعدام و شکنجه و زندان کرده و می‌کند، جوانان ما را به خاک و خون کشیده و می‌کشد، دانشگاههای ما را به قتلگاههای جوانان ما تبدیل نموده است. من از جنایاتی که اخیراً در دانشگاهها با فرزندان اسلام نموده‌اند در سوگم. من از دانشجویان عزیز که در راه اسلام و کشور فدایی داده‌اند و در مقابل شاه با مشتی گره کرده ایستاده و او را محکوم کرده‌اند تشکر می‌کنم. ۱۶/ ۸/ ۵۷

(1). منظور، محمدرضا شاه پهلوی است که در ماههای آخر حکومت خود برای فریب مردم به نوعی از اقدامات گذشته ود توبه نمود.

سرکوب مفاخر فرهنگی

تمام اقشار ایران- از مذهبیها و علمای مذهب تا آخرین فرد ایران- در تحت فشار بودند. فشار به جایی رسید که نه زن در این مملکت اختیار داشت از خود و نه مرد؛ نه روحانی می‌توانست وظایف روحانیت خودش را حفظ کند و نه دانشگاهی می‌توانست وظایف خودش را حفظ کند. اینها تمام مفاخر ایران را از دست دادند؛ بردند و مأموریت داشتند که برای ایران هیچ مَفْخَری نگذارند. مفاخر ما ایلات و عشایر ما بودند، آنها را سرکوب کردند. ۲۱/ ۱/ ۵۸

حمله به حوزه‌های علمیه و دانشگاهها

اگر یک دانشگاه صحیح ما داشته باشیم، یا یک جبهه روحانیِ به تمام معنا روحانی داشته باشیم، نخواهد اجازه داد به اجانب که همه حیثیت یک مملکت را از بین ببرند. از این جهت چون این دو جبهه را آنها برای خودشان خطر می‌دانستند، حمله‌شان به این دو جبهه بود. منتها فرم حمله‌شان فرق داشت. در زمان رضاخان که من یادم است، و اکثر شما یادتان نیست، در آن زمان با سرنیزه حمله می‌کردند این جبهه را بشکنند. و لهذا حمله می‌کردند مدارس را، افراد را می‌گرفتند می‌بردند، عمامه‌ها را بر می‌داشتند، لباسها را می‌کندند، مدرسه‌ها را می‌بستند، مساجد را تعطیل می‌کردند. مجالس وعظ و روضه و اینها را بکلی از بین بردند. به خیال اینکه با این فرم می‌شود از بین برد. منتها در دانشگاه چون انعکاس خارجی‌اش را می‌ترسیدند، به این فرم وارد نمی‌شدند؛ به فرم دیگر وارد می‌شدند که نگذارند دانشجویان رشد کنند. ۶/ ۴/ ۵۸

مقابله با منحرفین

دانشگاه ما، که مرکز آدمسازی باید باشد، قشر دانشجو که متعهد برای اسلام است و خونش را برای اسلام داد و فعالیت برای اسلام کرد، حالا بیدار باشد که یک عده معدودی توی این دانشگاهها دارند می‌روند و نمی‌خواهند اسلام پیدا بشود. نه اینکه می‌خواهند دانشگاه درست بشود؛ خیر؛ آنها از درست شدن دانشگاه می‌ترسند. ... شما جدیت کنید که این اشخاصی که حالا افتاده‌اند توی دانشگاهها و دارند فساد می‌کنند، خودتان بیرونشان کنید. نیایید شکایت کنید که در دانشگاه یک کسی آمده و دارد حرف می‌زند. خوب، برو مقابلش بایست. بگو آقا تو چه می‌گویی؟ تو برای ملت دلت می‌سوزد؟ اگر برای ملت دلت می‌سوزد، چرا رفراندم را نمی‌گذاشتید بشود؟ چرا نمی‌گذارید کشاورزها الآن زراعتشان را بردارند؟ جز این است که می‌خواهید برای امریکا بازار درست کنید؟ پیشتر شاه درست می‌کرد، حالا شاهک! چرا نمی‌گذارید کارخانه‌ها راه بیفتد؟ اگر کارخانه‌ها برای ما راه بیفتد، خوب احتیاجمان از بیرون کم می‌شود، از غرب کم می‌شود و اینها عمالند برای اینکه ما را محتاج به آنها کنند. بشناسید دوستان خودتان و دشمنان خودتان را. قشرهای روشنفکر، دشمنهای اسلام را بیرون کنند از مراکز خودشان. ۲۵/ ۳/ ۵۸

غائله برای سرگرم کردن جوانان

اینها نمی‌خواهند یک انسان پیدا بشود، کوشش دارند که دانشگاه اینقدر مورد توجه‌شان است و مورد هجومشان هست؛ و تا بتوانند نمی‌گذارند که برنامه‌های دانشگاه یک برنامه صحیح باشد. اگر هم از آنجا فرض کنید یک برنامه صحیح باشد، نمی‌گذارند اینها اشتغال داشته باشند هر روز یک غائله درست می‌کنند؛ یک بساط درست می‌کنند، غائله‌هایی ایجاد می‌کنند که جوانهای ما سرگرم بشوند. ۳۰/ ۴/ ۵۸

در اقلیت بودن اخلالگران دانشگاهی

در هر جایی- که محل آموزش و پرورش و اینها است- یک دسته‌هایی البته خواهند مزاحمت ایجاد کرد و از تهران و از جاهای دیگر هم مراجعه شده راجع به اینکه باید چه بکنیم. آنها در فکر هستند که یک طرحی بدهند، لکن مهم این است که اینها در این جمعیتی که اخلالگرند در اقلیت واقعند. اکثر که اینطور نیستند که اخلالگر باشند و این جمعیت اکثر باید از اختلافاتی که خودشان اگر در بینشان هست، دست بردارند و با اجتماع خودشان بدون اینکه یک درگیری، یک اختلاف عملی بشود، با اجتماع خودشان اینها را از صحنه خارج کنند که نتوانند آنها فعالیت بکنند. مهم این است که خود کسانی که در دانشگاهها هستند، در مواردی هستند که آموزش و پرورش هست در آن، چه اساتید و چه جوانهایی که آنجا هستند، اینها خودشان به طور معقولی جلوگیری بکنند، چون اینها حرفی ندارند. اخلالگرها حرفی ندارند، همان فقط می‌خواهند اخلال کنند. اگر هر کدام [مدعی] شد جلویش بروند بگویند خوب شما چه حرفی دارید؟ حرفت را بزن. خواهید فهمید که حرف ندارند. فقط حرف همه‌شان این است که اخلال کنند، نگذارند یک کاری انجام بگیرد و این مهمش دست خود دانشگاهیها و دانشسراها و خود اساتید و غیر اساتید هست که در این امر کمک کنند. ما هم ان‌شاءاللّه یک اقدامی می‌کنیم و دولت هم بنا دارد که یک کارهایی بکند. ۲۴/ ۶/ ۵۸

نحوه برخورد با گروهکها

در آغاز باز شدن دانشگاهها و دانشسراها و دبیرستانها و دبستانها ممکن است اشخاصی یا گروههایی بخواهند با اسمهایی و تبلیغاتی فریبنده در کار دانشگاهها اخلال کنند، و از رفتن سر کلاسها جلوگیری نمایند. عزیزان دانشگاهی و محصّلین سایر مدارس با بی‌اعتنایی و سردی با آنان مواجه شوند، و توطئه آنان را خنثی نمایند. و بدانند که از اوّل انقلاب تاکنون، هم اینان بودند که از مسیر ملت جدا و در مسیر طاغوت، و از انقلاب اسلامی برکنار یا بر ضد آن فعالیت می‌کردند. هم اینان بودند که از رفراندم می‌خواستند جلوگیری کنند. و هم اینان‌اند که از رأی اکثریت قریب به اتفاق ملت سرپیچی می‌کنند. اینان با ملت و مصالح کشور مخالف، و وابسته به شرق و غرب و رژیم سابق هستند. به تبلیغ آنان گوش فرا ندهید؛ و از آنان احتراز کنید، همانند احتراز از طاغوت و رژیم طاغوتی. آنچه کراراً تذکر داده‌ام، و رمز پیروزی است؛ اتحاد گروههای دانشجویی و تشکیل یک گروه اسلامی- ملی است در مقابل منحرفان که کوشش دارند تفرقه بیفکنند، و شما جوانان عزیز را- که امید کشور هستید و سعادت و ترقی میهن بسته به فعالیت شماست- به تباهی بکشند و نگذارند در راه تعالی کشور قدم بردارید، و به علم و ادب- که مایه پیشرفت و رهایی از استعمار و استثمار نو و کهنه است- اشتغال پیدا کنید. و باید بدانید اختلاف و تفرقه سرچشمه تمام بدبختیها و اسارتهاست. ممکن است عناصر فاسدی در دانشگاه و سایر مدارس در بین جوانان ما نفوذ کنند و با برنامه‌ای حساب شده تفرقه‌افکنی کنند. لازم است با هوشیاری آنان را شناسایی کنید و بشناسانید، که جوانان عزیز ما از توطئه آنان مطّلع شوند، و در راه خنثی نمودن آن کوشا شوند ... اسلام دین مستند به برهان و متکی به منطق است؛ و از آزادی بیان و قلم نمی‌هراسد، و از طرح مکتبهای دیگر، که انحراف آنها در محیط خود آن مکتبها ثابت و در پیش دانشمندان خودشان شکست خورده هستند، باکی ندارد. شما دانشجویان محترم! نباید با پیروان مکتبهای دیگر با خشونت و شدت، رفتار و درگیری و هیاهو راه بیندازید. خود با آنان به بحث و گفتگو برخیزید، و از دانشمندان اسلامی دعوت کنید با آنان در بحث بنشینند، تا تهی بودن دست آنان ثابت شود. و اگر آنان با جنجال و هیاهو با شما مواجه شدند، از آنان اعراض کنید؛ و با خونسردی بگذرید که یکی از نقشه‌های آنها آن است که شما را به درگیری بکشند و از آن استفاده غیر مشروع کنند. ما با آزادی و منطق موافق، ولی اگر توطئه و خرابکاری باشد، تکلیف دیگری داریم. و از خداوند متعال خواستارم که کار به آنجا نکشد. ۳۱/ ۶/ ۵۸

تصفیه عناصر در خدمت اجانب

از مسائل مهم، که مقدمه اصلاحات است، پاکسازی همه مراکز، خصوصاً مراکز فرهنگی و علمی است. و باید با شوراهایی مرکب از اشخاص دانشمند، متعهد، و مؤمن به انقلاب، و پشتیبانی رؤسا و استادان و دانشجویان و معلمان، مراکز علمی و تربیتی از عناصر فاسده و خدمتگزاران و سرسپردگان به رژیم سابق تصفیه شود؛ زیرا تا این عناصر- که به طور خودکار در خدمت اجانب هستند- در سطح وسیع کشور، خصوص مراکز علمی و تربیتی، تصفیه نشوند، نخواهیم توانست از استقلال فکری و درونی نجات پیدا کنیم؛ و در نتیجه نخواهیم توانست در هیچ یک از ابعاد مستقل باشیم. ۳۱/ ۶/ ۵۸

مقاومت در برابر اصلاح دانشگاهها

این سنگربندیها که در دانشگاهها شد برای چی بود و کی‌ها بودند؟ آنهایی که میل داشتند که دانشگاه که تبدیل شده بود به یک غرب ساختگی، غربزده ساختگی، برگردد به یک دانشگاه اسلامی، که وقتی ولیده او می‌آید، نتیجه او بیرون می‌آید، افراد مسْلم و متعهد باشد؛ اینها بودند که سنگر گرفتند؟ یا همانها بودند که همان قلم و همان قدم و همان چیزهایی که زمان رضاخان می‌خواستند بشکنند این اسلام را و این قدرت را؟ اینها هستند که سنگرگیری کردند. ۳/ ۳/ ۵۹

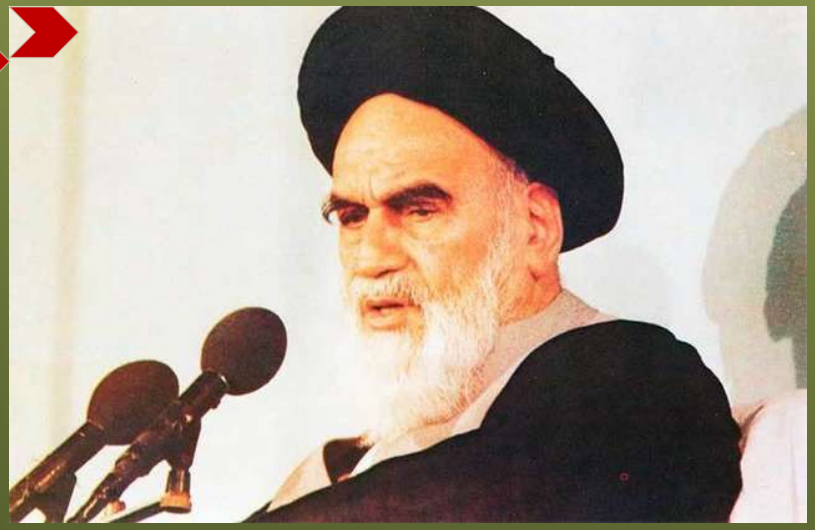

جلوگیری از نفوذ عناصر فاسد

در دانشگاهها و در دانشکده‌ها و در دبیرستانها و مراکز علمی باید خود معلمین و متعلمین، خود اساتید و خود دانش‌آموزان توجه کنند به اینکه نبادا در اینجا باز از این قشرهای فاسد و منافقین و غیر منافقینی که همه فاسد هستند نفوذ کرده و خدای نخواسته دانشگاه را به آن وضعی که در سابق بود درآورند. ۴/ ۲/ ۶۲

مفسدین به دنبال نفوذ در دانشگاهها

دانشگاه جوری است که نظرهای فاسد دنبالش است به اینکه یک کار خلافی بشود در آن. دنبالش است، موفق ان‌شاءاللّه نشوند. و همیشه باید انسان حساس باشد که نگذارد این سنگری که می‌تواند همه چیز را درست کند و می‌شود که همه چیز را به هم بزند، یک وقت از دستتان این سنگر [گرفته] بشود، یک خللی در آن واقع بشود. ۱۹/ ۹/ ۶۴

لزوم حذف نقشه‌های اجانب

جوانهای ما را عمرهایشان را دارند ضایع می‌کنند. یعنی رفتن در این دانشکده‌ها و در این دانشگاهها جز تضییع عمر معلم و متعلم چیزی نیست. معلمها هم این را می‌دانند، متعلمها هم این را می‌دانند- همه می‌دانند لکن وضع اینطوری است. ما که می‌گوییم باید این ورق برگردد، پیچیده بشود تمام این نقشه‌هایی که خارجیها به دست این عمال خبیثشان در ایران پیاده کرده‌اند، باید اینها برداشته بشود، برای این است که ما می‌بینیم که هر جا دست بگذاریم فاسد است. ۱۱/ ۸/ ۵۷

تصفیه افراد فاسد

کسانی که بخواهند یک کاری انجام بدهند، یک کار مثبتی انجام بدهند، یک خدمتی بکنند، آن هم یک همچو خدمت ارزنده بزرگی بخواهند بکنند، بخواهند در سرتاسر کشور دانشگاههایش را اصلاح بکنند، از افراد فاسد تصفیه بکنند، کار مشکل است لکن چون یک کار بسیار ارزنده‌ای است؛ مشکلات باید تحمل بشود. همیشه کارهای ارزنده اشکالاتش شاید بیشتر باشد از کارهای دیگر. ۲۹/ ۶/ ۵۸

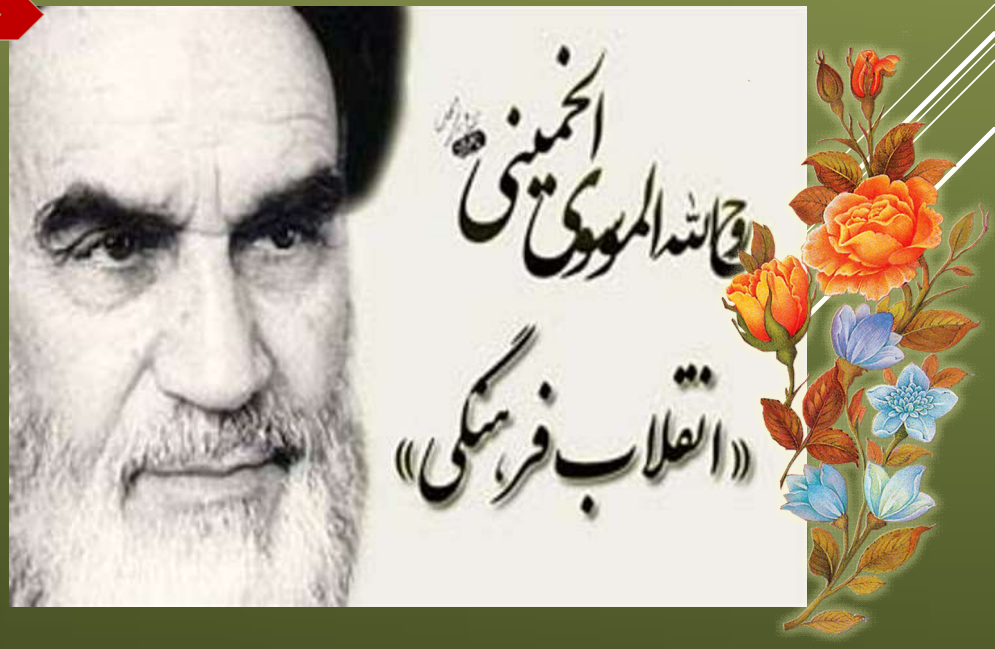

ارائه طرح اصلاح فرهنگ

الآن همه ما، همه شما، همه قشرهای ملت، موظف هستیم که هر کدام در هر محلی که هستیم آنجا را اصلاحش کنیم. و از همه بالاتر همین قضیه آموزش و پرورش و قضیه دانشگاه و قضیه تعلیم و تربیت است، که ما در این جهت از همه جا از همه جهات بیشتر احتیاج داریم که اصلاح بشود. طرح باید بدهید؛ فکر بکنید- عرض می‌کنم- مشورت بکنید. اشخاصی که علاقه دارند به این کشور- اشخاصی که وابسته نیستند به این رژیم سابق و به شرق و غرب- اینها را جمع بکنید، و با هم مطالعه کنید؛ طرح بدهید؛ تا ان‌شاءاللّه عمل بشود. و بلکه ان‌شاءاللّه ما بتوانیم [عمل کنیم] البته با یک برنامه طولانی، به این زود [ی] نمی‌شود. بتواند با یک برنامه طولانی متحول کند این فرهنگ را به یک فرهنگ صحیح. اگر علمش هست، یک علم صحیح باشد. نه این است یک علمی که برای ما آوردند که ما را تا یک حدودی نگه دارند، و باز به ما نشان ندهند. ۱۴/ ۷/ ۵۸

قلمرو انقلاب فرهنگی

ما که می‌گوییم انقلاب فرهنگی، و البته در همه چیز باید باشد، لکن باید مخلوط نکنیم امور را به هم. اینهایی که در انقلاب فرهنگی هی صحبت می‌کنند و صحبت کردند، و من شنیدم اینها مخلوط می‌کنند امور را به هم، و این راه را دور می‌کند. دانشگاه و فیضیه، باید فقط راجع به دانشگاه شروع کنند، کار به این نداشته باشند اقتصاد ملت چیست. اگر دانشگاه بیاید راجع به اقتصاد بخواهد فرهنگ را جاری کند و فرهنگ اسلامی درست کند، از فرهنگ اسلامی دانشگاه هم باز می‌ماند. و اگر قشری دیگر که می‌تواند انقلاب فرهنگی درمثلًا ارتش بکند، بیاید بخواهد مخلوط کند و انقلاب فرهنگی را در دانشگاه بخواهد بیاید عمل کند، آن کار خودش هم از دستش می‌رود. باید هر قشری در همان محل خودشان و در همان بنگاهی که آنها جزئیت دارند در آنها و عضویت دارند در آنجا، همان را مشغول بشوند. نه شما انقلاب اقتصادی را دنبالش بروید، نه آنهایی که می‌خواهند انقلاب اقتصادی درست کنند بیایند دنبال دانشگاهها. ۳/ ۳/ ۵۹

انقلاب فرهنگی، خواست ملت مسلمان

مدتی است ضرورت انقلاب فرهنگی که امری اسلامی است و خواست ملت مسلمان می‌باشد، اعلام شده است و تا کنون اقدام مؤثر اساسی انجام نشده است و ملت اسلامی و خصوص دانشجویان با ایمان متعهد، نگران آن هستند و نیز نگران اخلال توطئه‌گران که هم اکنون گاه‌گاه آثارش نمایان می‌شود و ملت مسلمان و پایبند به اسلام خوف آن دارند که خدای نخواسته فرصت از دست برود و کار مثبتی انجام نگیرد، و فرهنگ همان باشد که در طول مدت سلطه رژیم فاسد کارفرمایان بی‌فرهنگ، این مرکز مهم اساسی را در خدمت استعمارگران قرار داده بودند، که از دستاوردهای دانشگاهها به خوبی ظاهر می‌شود که خبر معدودی متعهد و مؤمن که علی‌رغم خواست دانشگاهها در خدمت کشور و اسلام بودند، دیگران جز ضرر و زیان چیزی برای کشور ما بار نیاوردند؛ و ادامه این فاجعه که مع‌الأسف خواست بعض گروههای وابسته به اجانب است، ضربه‌ای مهلک به انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی وارد خواهد کرد، و تسامح در این امر حیاتی، خیانت عظیم بر اسلام و کشور اسلامی است. ۲۳/ ۳/ ۵۹

مخالفین انقلاب فرهنگی

وقتی دانشگاه‌ها بسته شد، چه افرادی مهم مخالفت کردند. سابق وقتی دانشگاه دست ما نبود، دیدید که چه حیواناتی بیرون آمد. در همین دانشگاه اگر کسی می‌خواست نماز بخواند، رویش نمی‌شد ودر پنهان نماز می‌خواند. واینکه اینها اظهار داشتند دانشگاه باز شود، از اول معلوم بود مسائل آنها این نیست که دلشان برای اسلام بسوزد. باید چشم‌ها را باز کنیم واشخاص را مطالعه کنیم. ۲/ ۴/ ۶۰

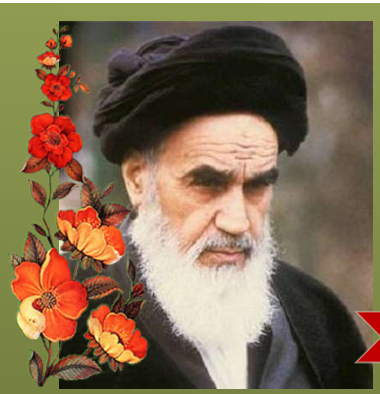

ضرورت تحول فرهنگی

چه حوزه‌های علمیه قدیمی و چه دانشگاهها یک وضعی داشتند که با این جهش باید آن وضع را متحول کنند و تهیه قبلی نداشتند. ناگهان تکلیفهایی به دوش همه آمد و چون مهیا نبودند هیچ یک از قشرهای ملت، از این جهت بار سنگین بود، لکن مع‌ذلک، بحمداللّه همت والای همه قشرهای ملت این بار سنگین را هم دارد به‌پیش می‌برد، لکن کافی نیست این مقدار. ۱۸/ ۹/ ۶۰

پاکسازی دانشگاهها، مقدمه رشد و ترقی جمهوری اسلامی

در حوزه‌ها و دانشگاهها، که همگام با حوزه‌ها هستند و هر دو از ویژگی خاصی برخوردارند، تصفیه و پاکسازی مهمتر است. و با تصفیه این دو پایگاه اسلامی و ملی، محتوای جمهوری اسلامی به رشد و ترقی خود ادامه خواهد داد. و با انحراف این دو، انقلاب و جمهوری از مسیر اصلی خود منحرف خواهد شد. ۲۲/ ۱۱/ ۶۰

دانشگاه باید به درد ملت بخورد

قضیه دانشگاه از اهم امور است، همان طوری که برای دشمنان ما و برای آنها که می‌خواهند افکار جوانان ما را منحرف کنند هم مهم است، چون دانشگاه مرکز همه چیز است، حتی تشکیل دولت. و باید این مسأله را دنبال کنیم که دانشگاه اسلامی‌شود تا برای کشور ما مفید گردد. و باید سعی شود که تا دانشگاه به یکی از دو قدرت گرایش پیدا نکند، و این به صرف وقت و نظارت کامل احتیاج دارد. و باید توجه داشت تا بعد از بازگشایی مبادا افراد منحرف با تزریق مسائل انحرافی افکار جوانان ما را فاسد بکنند، و برای نظارت بر این موضوع احتیاج به افراد بسیاری است. امیدوارم دانشگاهی داشته باشیم که به درد ملت بخورد، و برای تحقق این امر لازم است از افراد متخصص متعهد و در صورت کمبود از متخصصین غیر مخالف با جمهوری اسلامی‌استفاده نمایید. ان‌شاءاللّه با قدرت هر چه تمامتر در این امر فعالیت کنید و به پیش بروید تا به مقاصد الهی برسیم. ۱۲/ ۷/ ۶۲

اصلاح دانشگاهها، اولویت پس از جنگ

پس از جنگ، از مدارس علمی و دانشگاهها، که در حقیقت قلب تپنده و نبض زننده ملت هستند، شروع می‌کنیم. می‌دانیم که این دو مرکز در حقیقت دو شاخه‌اند از یک شجره طیبه و دو بازو از یک مقام انسان روحانی؛ که اگر به صلاح گرایند و تعهد روحانی خود را حفظ کنند و دست در دست هم در صف واحد و در خدمت به حق و خلق قیام کنند ملت را به کمال خود در دو بعد معنوی و مادی می‌رسانند و آزادی و استقلال را در کشور حفظ می‌کنند و چون سدی محکم و صفی و بنیانی مرصوص در مقابل تهاجم اجانب و نفوذ فساد ایستاده و ملت و کشور را با قامتی راست و پرچمی افراشته به سوی ترقی و تعالی سوق می‌دهند. و خدای نخواسته اگر در هر یک از وظایف الهی و ملی خود انحراف پیدا کنند، به سر ملت آن می‌آورند که دانشگاه وابسته در رژیم وابسته آورد، که اکنون نیز کشور و ملت اسلامی ما از گرفتاریهای آن خارج نشده. و شک نیست که گرفتاری امروز ما در بعد اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی بلکه در جنگ تحمیلی و شرارت وابستگان به دو قطب سلطه‌جو از آثار شوم دانشگاههای مبتلا به غرب و شرقزدگان ضداسلامی و ضد ملی است. ۲۲/ ۱۱/ ۶۳

تحول انسان غربی به انسان اسلامی

مسأله فرهنگ و آموزش و پرورش در رأس مسائل کشور است. اگر مشکلات فرهنگی و آموزشی به صورتی که مصالح کشور اقتضا می‌کند حل شود، دیگر مسائل به آسانی حل می‌گردد. صدماتی که کشور ما از فرهنگ رژیم شاهنشاهی خورده است قابل مقایسه با ضررهای اقتصادی و غیره نبوده است. متأسفانه در زمان این پسر و پدر دست اجانب باز گردید و مراکز آموزشی، که باید تکیه‌گاه ملت باشد، به ضدش تبدیل گردید. البته انحراف فرهنگ ما ریشه تاریخی دارد و ما امروز مواجهیم با استادان و معلمانی بر پایه همین تربیت و با فرهنگی غربی که با مصالح اسلام و کشور ما به هیچ وجه وفق نمی‌دهد. تمام وابستگان و انگلهای خارجی زاییده شده از این دانشگاه غربی بوده‌اند. اجانب با فعالیت خود، مدارس و دانشگاههای ما را از محتوا خالی کردند. البته حملات زیادی به روحانیت هم شد. آنها می‌خواستند روحانیت را هم تغییر بنیادی دهند و عده‌ای از روحانیون را هم بردند، ولی عده‌ای مقاوم باقی ماندند؛ تغییر نکردند. ما باید سالهای طولانی زحمت و مشقت بکشیم تا از فطرت ثانی خود متحول شویم و خود را بیابیم و روی پای خویش بایستیم و مستقل گردیم و دیگر احتیاجی به شرق و غرب نداشته باشیم. و باید از همان بچه‌ها شروع کنیم و تنها مقصدمان تحول انسان غربی به انسانی اسلامی باشد. اگر این مهم را انجام دادیم، مطمئن باشید که هیچ کس و هیچ قدرتی نمی‌تواند به ما ضربه بزند. اگر ما از نظر فکری مستقل باشیم، آنها چگونه می‌توانند به ما ضربه بزنند. تنها آنها می‌توانند از داخل خود ما، به ما ضربه بزنند؛ در داخل، فردی را درست کنند- کما اینکه می‌بینید درست کرده‌اند- و بعد توسط آن هر چه می‌خواهند انجام می‌دهند. ۲۳/ ۷/ ۶۰

تشکیل ستاد انقلاب فرهنگی

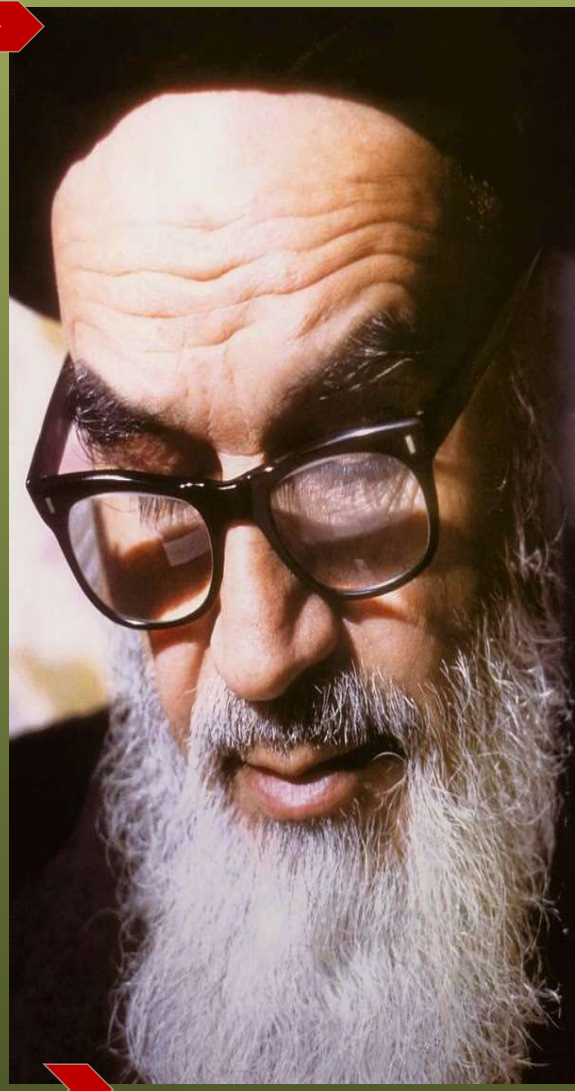

بسم اللّه الرحمن الرحیم

مدتی است ضرورت انقلاب فرهنگی که امری اسلامی است و خواست ملت مسلمان می‌باشد، اعلام شده است و تا کنون اقدام مؤثر اساسی انجام نشده است و ملت اسلامی و خصوص دانشجویان با ایمان متعهد، نگران آن هستند و نیز نگران اخلال توطئه‌گران که هم اکنون گاه‌گاه آثارش نمایان می‌شود و ملت مسلمان و پایبند به اسلام خوف آن دارند که خدای نخواسته فرصت از دست برود و کار مثبتی انجام نگیرد، و فرهنگ همان باشد که در طول مدت سلطه رژیم فاسد کارفرمایان بی‌فرهنگ، این مرکز مهم اساسی را در خدمت استعمارگران قرار داده بودند، که از دستاوردهای دانشگاهها به خوبی ظاهر می‌شود که جز معدودی متعهد و مؤمن که علی‌رغم خواست دانشگاهها در خدمت کشور و اسلام بودند، دیگران جز ضرر و زیان چیزی برای کشور ما بار نیاوردند؛ و ادامه این فاجعه که مع‌الأسف خواست بعض گروههای وابسته به اجانب است، ضربه‌ای مهلک به انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی وارد خواهد کرد، و تسامح در این امر حیاتی، خیانت عظیم بر اسلام و کشور اسلامی است. بر این اساس به حضرات آقایان محترم محمد جواد باهنر، مهدی ربانی املشی، حسن حبیبی، عبدالکریم سروش، شمس آل احمد، جلال‌الدین فارسی و علی شریعتمداری مسئولیت داده می‌شود تا ستادی تشکیل دهند و از افراد صاحبنظر متعهد، از بین اساتید مسلمان و کارکنان متعهد و دانشجویان متعهد با ایمان و دیگر قشرهای تحصیلکرده، متعهد و مؤمن به جمهوری اسلامی دعوت نمایند تا شورایی تشکیل دهند و برای برنامه‌ریزیِ رشته‌های مختلف و خط مشی فرهنگی آینده دانشگاهها، بر اساس فرهنگ اسلامی و انتخاب و آماده‌سازی اساتید شایسته متعهد و آگاه و دیگر امور مربوط به انقلاب آموزشی اسلامی اقدام نمایند. بدیهی است بر اساس مطالب فوق دبیرستانها و دیگر مراکزآموزشی که در رژیم سابق با آموزش و پرورشی انحرافی و استعماری اداره می‌شد، تحت رسیدگی دقیق قرار گیرد تا فرزندان عزیزم از آسیب و انحراف مصون گردند. از خداوند متعال توفیق آقایان را در این امر مهم مسألت می‌نمایم و عظمت اسلام و کشورهای اسلامی را خواهانم. والسلام علیکم. ۲۳/ ۳/ ۵۹

تشکیل شورای عالی انقلاب فرهنگی

اکنون که با تأییدات خداوند متعال و عنایت و دعای حضرت بقیهٔ اللّه- روحی لمقدمه الفداء- دانشگاهها و مدارس عالی کشور کار خود را در سطح وسیعی شروع کرده‌اند و حرکت سازندگی با تمام ابعادش در کشور اسلام رو به گسترش است و مغزهای متعهد و متخصص به فعالیتهای پرارج خود ادامه می‌دهند، با اخراج کارشناسان خائن اجنبی و فرار کارشناسان غرب و شرقزده، که کشور را وابسته به خارج در تمام ابعاد نموده بودند، نیاز مبرم به متخصصان متعهد و اسلامشناسان متخصص و مغزهای متفکر وطنخواه و نیروهای فعال ماهر و اساتید و مربیان و معلمان معتقد به اسلام و استقلال کشور در تمام کشور محسوس و در علوم دانشگاهی و فرهنگ مترقی محسوستر می‌باشد. و ضرورت توسعه و اصلاح مراکز آموزشی و انقلاب فر هنگی به معنای واقعی هر روز روشنتر می‌گردد و بحمداللّه ستاد انقلاب فرهنگی در مدت کوتاهی که از عمرش گذشته خدمتهای ارزنده و گامهای مفید و مؤثری در این امر حیاتی برداشته؛ و مورد تقدیر و تشکر است. ولی خروج از فرهنگ بدآموز غربی و نفوذ و جایگزین شدن فرهنگ آموزنده اسلامی- ملی و انقلاب فرهنگی در تمام زمینه‌ها در سطح کشور آنچنان محتاج تلاش و کوشش است که برای تحقق آن سالیان دراز باید زحمت کشید و با نفوذ عمیقِ ریشه‌دار غرب مبارزه کرد. و ما می‌دانیم که اگر با دقت ریشه‌یابی کنیم، آنچه بر ملت ما گذشته و اکنون می‌گذرد حتی جنگ تحمیلی، سرچشمه از دانشگاه غربزده و متخصصان غیر متعهد و وابسته گرفته است. مع هذا، قشر متدین انقلابی اعم از اساتید متعهد و معلمان وطنخواه اسلامی و دانشجویان انقلابی موظفند با هوشیاری بدون غفلت از این مسأله مهم، به دانشگاهها و مدارس و آنان که هنوز خواب رژیم سابق را می‌بینند و رویه‌های فرهنگ شرق را در سر می‌پرورانند. اجازه ندهند که خارج از دروس موظف خود به صحبتهای انحرافی بپردازند. و در صورتی که نصیحت برآنان اثر نداشت به شورایعالی انقلاب فرهنگی، که شکل گرفته است و انجام وظیفه میکند، اطلاع دهند و باید بدانند با مسامحه در این امر بتدریج در دانشگاهها و دبیرستانها خط انحرافی، نفوذ خواهد کرد و در پیشگاه خداوند متعال مسئول هستند. اینک با تشکر از زحمات ستاد انقلاب فرهنگی برای هر چه بارورتر شدن انقلاب در سطح کشور تقویت این نهاد را لازم دیدم. بدین جهت علاوه بر کلیه افراد ستاد فرهنگی و رؤسای محترم قوّه سه گانه، حجج اسلام: آقای خامنه‌ای، آقای اردبیلی و آقای رفسنجانی و همچنین جناب حجت الاسلام آقای مهدوی کنی و آقایان: سید رضا اکرمی، وزیر آموزش و پرورش، و سید رضا داوری و نصراللّه پور جوادی و محمد رضا هاشمی را به آنان اضافه نمودم. امید است با فضل توفیق الهی موفق شوند امر خیر را با کوشش و جدیت به ثمر برسانند. از تمامی دانشگاهیان و دانشجویان انتظار دارم حفظ حرمت اساتید و مربیان دانشگاهها و دانشسراها و مدارس عالی را به بهترین وجه بنمایند؛ چنانچه موظفند حفظ مقررات و قوانین را بنمایند. از خداوند تعالی توفیق همگان را خواستارم.

۱۹/ ۹/ ۶۳

(1). آقایان سیدکاظم اکرمی وزیر آموزش و پرورش و دکتررضا داوری صحیح می‌باشد.

فصل چهارم: رسالت دانشگاه

انسان‌سازی

نقش دانشگاهها، ساختن انسان

دانشگاه در هر کشوری ... نقششان این است که انسان درست کنند. مأمور ساختن انسان هست دانشگاه. از دانشگاه ممکن است یک انسان پیدا بشود که یک کشور را نجات بدهد و ممکن است که یک انسان پیدا بشود که کشور را به هلاکت بکشد. این نقش مهمی در دانشگاه است. مقدرات هر کشوری به دست دانشگاه و آنهایی که از دانشگاه بیرون می‌آیند هست. بنابراین دانشگاه بزرگترین مؤسسه مؤثر است در کشور؛ و بزرگترین مسئولیتها [را] هم دانشگاه دارد. اینکه اجانب به وسیله عمالشان این کار را انجام دادند که دانشگاههای ما را عقب نگه داشتند و به اصطلاح استعماری درست کردند، برنامه‌ها، برنامه‌های استعماری بود، این برای این بود که از دانشگاه می‌ترسند همین مطلب را که نقش دارد دانشگاه. همین مطلب در روحانیت هم هست، روحانیت هم نقش دارد. در روحانیت هم ممکن است یک روحانی یک کشور را نجات بدهد و ممکن است یک روحانی یک کشور را به هلاکت برساند. این دو قطب، که عبارت از قطب دانشگاه، به معنای تمام کلمه، دانشگاه، همه دانشگاهها و روحانیت، این دو قطبْ تمام سرنوشت یک ملت را در دست دارند. و لهذا، کار از همه کارها بالاتر و شریفتر [است] و برای اینکه کار، همان کار انبیاست. همه انبیا برای آدمسازی آمده‌اند. قرآن کریم یک کتاب آدمسازی است. همه انبیا آمده‌اند که آدمها را درست کنند. به درست کردن آدم همه بساط درست می‌شود. این دو قطب که هم دو مأمور آدمسازی هستند، قطب دانشگاه مأمور آدمسازی هست و قطب روحانیت مأمور آدمسازی، کارشان شریفترین کارهاست برای اینکه همان کار انبیاست؛ و هم مسئولیتشان بالاتر از همه مسئولیتهاست، برای اینکه در اینجا همه چیز درست می‌شود تمام نظر اجانب به این دو قطب دوخته شده بود. منتها هر جا را یکجور دویدند. ۲۱/ ۳/ ۵۸

نجات از غربزدگی

دانشگاهها اگر علاقه دارند به اسلام، اگر علاقه دارند به کشورشان، اگر علاقه دارند به ملتشان، جوانها را تربیت صحیح بکنند. از این غربزدگی نجاتشان بدهند. و همه جاها و همه کس باید دنبال این مطلب باشد. و حکومتها که مع‌الأسف کمترشان هست که در فکر این مسائل باشند، باید اگر چنانچه علاقه به اسلام دارند، علاقه به کشور دارند، علاقه به ملت دارند، کیفیت اعمالشان را تجدیدنظر بکنند. اینطور که تاکنون عمل شده است، دست بردارند. ۲۰/ ۱۰/ ۵۸

قطع وابستگی و استقلال کشور

دانشگاه، زمینه‌ساز استقلال مملکت

اگر دانشگاهها درست نشود و مدرسه‌های ما هم درست نشود، امید اینکه یک جمهوری اسلامی ما پیدا بکنیم نداریم. اگر این دو قشر تربیت شدند به طوری که اسلام می‌خواهد، تربیت انسانی شدند، هم مملکت ما مصون می‌شود از تصرف شیاطین و روی چرخ خودش گردش می‌کند بدون وابستگی به خارج و بدون خیانتهای داخلی؛ و هم ترقیات حاصل می‌شود برای شما۱۷/ ۴/ ۵۸

خودباوری و استقلال

دانشگاهها بروند دنبال اینکه جوانهای ما را مستقل بجا بیاورند، تربیت کنند که بفهمند خودشان یک فرهنگ دارند؛ یک فرهنگ بزرگ دارند. بفهمند فرهنگ از اینجا صادر شده است به خارج. بفهمند که ما هم یک چیزی در عالم هستیم؛ و ما خودمان می‌خواهیم خودمان را اداره کنیم. ۷/ ۸/ ۵۸

دانشگاه خودکفا و مستقل

باید دانشگاهها خودکفا بشوند که احتیاج به دانش غرب نداشته باشند. ... دانشمندهای ما نترسند از غرب. اساتید دانشگاه ما نترسند از غرب. و جوانان ما نترسند و اراده کنند که در مقابل غرب قیام کنند. ۱۲/ ۱۰/ ۵۸

کسب علم از موضع استقلال

نباید اگر صنعتی از آنها می‌گیریم انگلیسی یا روسی یا امریکایی بشویم، بلکه باید مسلمان بود. البته استفاده از علوم و گرفتن آن از دیگران مانعی ندارد، ولی باید توجه داشت که از جایی علوم را بگیریم که نخواهند ما را منحرف کنند که در سابق اگر مقداری از علوم و تخصصها را به ما می‌دادند، می‌خواستند ما را از همه چیزمان منحرف نموده و مصرفی بار بیاورند. ۲۴/ ۸/ ۶۲

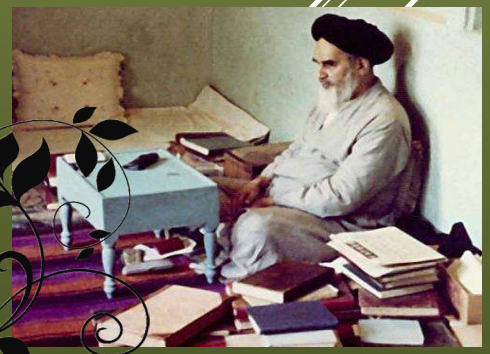

حفظ و تداوم انقلاب اسلامی

خنثی سازی تبلیغات انحرافی

سیاسیون و روشنفکران و دانشگاهیان وظیفه اسلامی و ملی خود را به جا آورند و نگذارند نهضت را به وسیله تبلیغات پر سروصدا منحرف کنند. ۲۷/ ۶/ ۵۷

طرفداری از انقلاب

بر دانش‌آموزان، دانشگاهیان و محصلین علوم دینیه است که با تمام نیرو، وحدت خویش را حفظ و از انقلاب اسلامی خود طرفداری نمایند. ۱۰/ ۸/ ۵۸

پرهیز از اختلاف

من از تمام قشرهای جوان دانشگاهی و مدارس علوم دینیه و روشنفکران و دانشمندان و نویسندگان عاجزانه استدعا می‌کنم در این وقت حساس از هر گونه اختلاف دست برداشته و دشمن بزرگ را هدف قرار دهند. من امروز این امر را تکلیف شرعی الهی و وظیفه ملی می‌دانم. از خداوند تعالی وحدت کلمه ملت و عظمت اسلام و مراجع عالیقدر و پیروزی ملت مسلمان را خواستارم. ۱۵/ ۹/ ۵۸

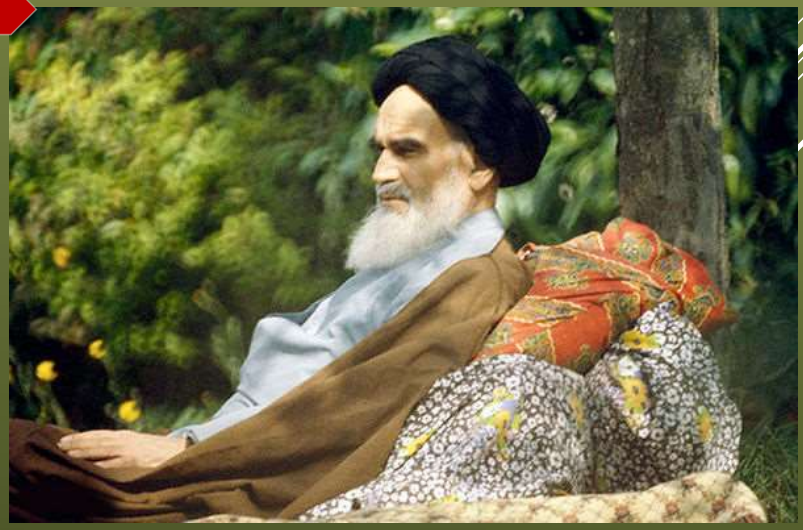

دفاع از انقلاب با تمام توان

امروز یکی از ضروریترین تشکلها، بسیج دانشجو و طلبه است. طلاب علوم دینی و دانشجویان دانشگاهها باید با تمام توان خود در مراکزشان از انقلاب و اسلام دفاع کنند و فرزندان بسیجی‌ام در این دو مرکز، پاسدار اصول تغییرناپذیر «نه شرقی و نه غربی» باشند. امروز دانشگاه و حوزه از هر محلی بیشتر به اتحاد و یگانگی احتیاج دارند. فرزندان انقلاب به هیچ وجه نگذارند ایادی امریکا و شوروی در آن دو محل حساس نفوذ کنند. تنها با بسیج است که این مهم انجام می‌پذیرد. مسائل اعتقادی بسیجیان به عهده این دو پایگاه علمی است. حوزه علمیه و دانشگاه باید چهارچوبهای اصیل اسلام ناب محمدی را در اختیار تمامی اعضای بسیج قرار دهند. ۲/ ۹/ ۶۷

سازندگی و توسعه

دانشگاه و جهاد سازندگی

دانشجوهای عزیز، متخصصین، مهندسین و بازاری، کشاورز، همه قشرهای ملت، داوطلب برای این است که ایرانی که به طور مخروبه به دست ما آمده است بسازند. از این جهت، باید ما بگوییم یک جهاد سازندگی، موسوم کنیم این جهاد را به «جهاد سازندگی» که همه قشرهای ملت، زن و مرد، پیر و جوان، دانشگاهی و دانشجو، مهندسین و متخصصین، شهری و دهاتی، همه با هم باید تشریک مساعی کنند و این ایران را که خراب شده است بسازند. ۲۶/ ۳/ ۵۸

تربیت عالِم جهت اداره مملکت

دانشگاه باید عالِم درست کند نه اداری. اداری یک مسأله کوچکی است. حالا یک احتیاجی هست. البته باید برود آنجا. اما دانشگاه باید عالم درست کند. دانشگاه باید اشخاصی را درست کند که مملکت خودش را اداره کند از حیث علمیت. اداره کند از حیث فرهنگ. نه اینکه غایت آمال این باشد، یک چیزی دستش بیاید برود توی یک اداره‌ای بنشیند مهمل. کار هم بود، خوب بود. اما کار نیست توی ادارات. یک اداره که نمی‌تواند اینهمه جمعیت را بپذیرد. جز این است که بروند آنجا بودجه مملکت را بخودی صرف بکنند، خودشان هم مهمل بار بیایند. یک قوه فعاله مهمل بار می‌آید و بودجه مملکت را هم از بین می‌برد. اینها باید اصلاح بشود. من، آخر عمرم است، اما شما جوانید. اصلاح کنید اینها را. اصلاح کنید اینها را، اگر بخواهید مستقل باشید. این چیزها را در صدد برآیید اصلاحش بکنید. ۱۴/ ۱۰/ ۵۸

تامین آینده

باید دانشگاه خودش را مجهّز کند برای اینکه جوانها را بسازد. آتیه این کشور را باید از حالا شما پی‌ریزی کنید. ما فقط به فکر خودمان و زمان حال نباید باشیم. ما باید به فکر آینده کشور باشیم؛ برای اینکه اسلام است، آینده اسلام باید محفوظ بماند. ۲۲/ ۹/ ۶۰

سهم دانشگاه در بازسازی کشور

بازسازی و سازندگی جز از طریق تعاون و همفکری میسر نیست. و این کشور متعلق به اسلام و همه ملت ایران است و همان گونه که در جنگ همه در کنار هم بودند، در صلح و سازندگی هم باید در کنار یکدیگر باشند که ان‌شاءاللّه مراکز علمی و دانشگاهی نیز در این مسأله بزرگ سهیم خواهند بود. ۱۱/ ۷/ ۶۷

فصل پنجم: اساتید در کلام امام

مسئولیت اساتید دانشگاه نسبت به جامعه

تربیت اسلامی نسل جوان

آنهایی که معلم هستند، در دانشگاهها استاد هستند [نیروی انسانی درست شود]. در دبیرستانها، در دبستانها، از همان اول که بچه‌ها تحویلشان داده می‌شود باید مسئول تربیت آنها باشند، مشغول این باشند که اینها را تربیت کنند، یک تربیت صحیح اسلامی؛ که در تربیت صحیح اسلامی همه [خصوصیات] است. یعنی یک مُسْلِم اگر همان طوری که اسلام می‌خواهد بزرگ بشود، این ممکن نیست که به مملکت خودش خیانت بکند؛ ممکن نیست که به برادر خودش، به همسایه خودش، به همشهری خودش، به یک آدم غریبه خیانت بکند. اصلًا خیانت منتفی می‌شود. ما باید کوشش کنیم که افراد صالح درست بکنیم. ۱۵/ ۱/ ۵۸

مقابله با منحرفین و اخلالگران

مهم این است که خود کسانی که در دانشگاهها هستند، در مواردی هستند که آموزش و پرورش هست در آن، چه اساتید و چه جوانهایی که آنجا هستند، اینها خودشان به طور معقولی جلوگیری بکنند، چون اینها حرفی ندارند. اخلالگرها حرفی ندارند، همان فقط می‌خواهند اخلال کنند. اگر هر کدام [مدعی] شد جلویش بروند بگویند خوب شما چه حرفی دارید؟ حرفت را بزن. خواهید فهمید که حرف ندارند. فقط حرف همه‌شان این است که اخلال کنند، نگذارند یک کاری انجام بگیرد و این مهمش دست خود دانشگاهیها و دانشسراها و خود اساتید و غیر اساتید هست که در این امر کمک کنند. ۲۴/ ۶/ ۵۸

تربیت متخصص مستقل

ما اساتید دانشگاهی را می‌خواهیم که آن اساتید بتوانند مغزهای جوانهای ما را مستقل بار بیاورند، غربی نباشند، شرقی نباشند، رو به غرب نایستند، آتاتورک نباشند و تقی‌زاده نباشند. ما می‌خواهیم یک دانشگاهی داشته باشیم که بعد از چند سال دیگر تمام حوایج خودمان را خودمان تحصیل کنیم. ما با تخصص هیچ مخالفتی نداریم و آن چیزی که ما با آن مخالفیم وابستگی مغزهای جوانهای ما را به خارج، شرق و غرب، است. دانشگاههای ما الّا عده معدودی، یا در صدد نبودند که این وابستگی را بردارند یا در صدد بودند که وابسته کنند این مغزها را به خارج. ما می‌خواهیم که اگر بیماری پیدا [شد] اینطور نباشد که بگویند که باید حتماً بروید به انگلستان، حتماً بروید به امریکا. ما می‌خواهیم که همانطوری که یک امریکایی اگر مریض شد به ایران نمی‌آید و یک انگلیسی اگر مریض شد به ایران نمی‌آید، یک ایرانی هم اگر مریض شد، جای دیگر نرود. ما یک همچو تخصصی می‌خواهیم که جوری بار بیاورد کشور را و جوانهایی که در رأس امور کشور هستند که اینها مغزهایشان وابسته نباشد و فکری جز اسلام و ایران در سرشان نباشد. ۴/ ۳/ ۶۰

انتقال شایسته دانش

دانشمندان باید به طور شایسته دانش خودشان را به دانشجویان منتقل بکنند. ۲۶/ ۱۰/ ۶۱

مواظبت در تربیت دانشجویان

اساتید دانشگاه، اگر واقعاً علاقه‌مندند که این کشور دوباره برنگردد به‌اوضاع سابق، باید مواظب باشند، دانشگاهیها، اساتید مواظب خودشان باشند در تربیت و مواظب بچه‌ها و جوانها باشند در کارهایی که می‌کنند. باید نگه دارند دانشگاه را به یک صورتی که، به یک واقعیتی که آن واقعیت همین تحولی است که در ایران پیدا شده است. دانشگاه باید متحول باشد و البته شده است، لکن بیشتر مواظبت می‌خواهد. ۵/ ۶/ ۶۴

انتظارات امام از اساتید دانشگاه

آگاه نمودن جوانان

باید شما جوانها را آگاه کنید. جوانهایی که الآن پیش شما هستند برایشان صحبت کنید؛ آگاه کنید بفهمانید به ایشان که احتراز کنند از این دسته‌ای که الآن افتاده‌اند توی ایران و دارند خرابکاری می‌کنند. و این خرابکاری حتماً بدانید که به نفع دیگران است و اینها از عمال غیر هستند؛ منتها به این صورت درآمدند. مثل آن آقا که از عمال غیر بود و می‌خواست باز شاه را برگرداند به اینجا، با صورت ملیت و امثال ذلک. و ان‌شاءاللّه خداوند همه را توفیق بدهد، مؤید کند. و ایران امروز محتاج به وجود شماست؛ محتاج به همه چیز هست. ما همه با هم باید دست به هم بدهیم و این احتیاج را رفع کنیم. ان‌شاءاللّه خداوند همه‌تان را حفظ کند. ۲۷/ ۱۱/ ۵۷

(1). اشاره حضرت امام(س) به استادان دانشگاه ابوریحان بیرونی است.
(2). منظور، شاپور بختیار آخرین نخست‌وزیر رژیم پهلوی است.

حفظ نهضت

شما که در دانشگاه هستید، شما که تماس با جوانها دارید، این معنا را تذکر بدهید که این تحولی که رمز پیروزی شما بود و شما را تا اینجا رساند و این سد بزرگ شیطانی را شکستید، این تحول و این نهضت را به این معنا که هست حفظش کنید، تا اینکه بعدها هم بتوانیم یک دانشگاه داشته باشیم مستقل برای خودمان، یک مدرسه علمی داشته باشیم مستقل برای خودمان، یک ارتش داشته باشیم مستقل برای خودمان. ۱۳/ ۴/ ۵۸

نجات ملت از وابستگی فکری

بزرگترین فاجعه برای ملت ما این وابستگی فکری است که گمان می‌کنند همه چیز از غرب [است]، و ما در همه ابعاد فقیر هستیم، و باید از خارج وارد کنیم. شما استادان و فرهنگیان و دانشجویان دانشگاهها و دانشسراها، و نویسندگان و روشنفکران و دانشمندان معظّم باید کوشش کنید، و مغزها را از این وابستگی فکری شستشو دهید. و با این خدمتِ بزرگ و ارزنده، ملت و کشور خود را نجات دهید. ۳۱/ ۶/ ۵۸

ایجاد خودباوری در جوانان

اگر شما آقایان و همه ملت ما بخواهند استقلال خودشان را- و می‌خواهند- بخواهند آزادی خودشان را- و می‌خواهند- باید اول افکارشان را آزاد کنند. افکار ما الآن در قید و بند است. حالا هم هست. ان‌شاءاللّه بشود الآن یک نهضت، یک نهضت فکری هم شده الآن، لکن باید این [نهضت] را تتمیمش کرد. شماهایی که در دانشگاه هستید و دانشمند هستید و متفکر هستید، این جوانهای ما را یک جوری بار بیاورید که خودشان بفهمند که خودشان یک چیزی‌اند. نگویند که ما باید گیر غرب باشیم، نگویند که ما باید غربی باشیم، شرقی باشند. اگر از غرب هم صنعتی می‌آید، یاد بگیرند، اما غربی نشوند، یاد گرفتن مسأله یک چیزی است و مغز را غربی کردن و از خودش غافل شدن، مسأله دیگر است. ۱۴/ ۱۰/ ۵۸

(1). بیانات حضرت امام(س) در جمع اساتید دانشگاه تهران.

تربیت اخلاقی

همه دانشگاهها، همه مراکز تربیت، همه مدارس قدیمی باید در آن اشخاصی باشند که آن اشخاصی که در آنجا هستند تربیت بکنند، تربیت اخلاقی بکنند. علمای اخلاق لازم است، هم در دانشگاه و هم در مدارس و هم در همه جا. ۱۰/ ۴/ ۵۹

بار آوردن افراد متعهد

امیدوارم با کوشش اساتید و معلمین، وضع به صورتی درآید که فردی که دوره درسی اش تمام شد، فردی متعهد بار آمده باشد، فردی که بداند باید برای کشورش خدمت کند و کاری به رضایت کشورهای بیگانه نداشته باشد. ۲۷/ ۱/ ۶۴

آموزش همراه با اشاعه تقوا

شما آموزگارها باید اهمیت بدهید به مسأله تقوا. و آموزندگان هم باید اهمیت بدهند. و اساتید دانشگاه و اساتید حوزه‌ها هم به این خاصه باید اهمیت خاص بدهند که اگر علم تنهای بی‌تقوا باشد، ولو علم توحید باشد، ولو علم ادیان باشد، در آن عالم ارزش ندارد. علم تنها اگر ضررش بر ملتها و بر اسلام بالاتر از نفعش نباشد- که هست- باید گفت که بی تقوا می‌تواند که یک کشوری را، یک انسانهایی را به باد فنا بدهد. و آن کسی که عالمتر است بهتر می‌تواند که مردم را فاسد کند. پس باید که همراه این آموزش، آموزش تقوا هم باشد. از بچه‌ها اگر هستند، بچه‌ها را آموزش تقوا [بدهید] به اندازه فهمشان و بزرگترها را هم همین طور. و بزرگترها گمان نکنند دیگر احتیاج ندارند یا اینکه وقت گذشته است؛ وقت نمی‌گذرد. انسان در هر حال، اگر یک چیزی را بداند بهتر از ندانستن است. ۵/ ۱۰/ ۶۱

فصل ششم: دانشجویان در کلام امام‌انتظارات امام از دانشجویان

مسئولیت دانشجویان نسبت به جامعه

بیدارسازی خفتگان

بر شما جوانان روشنفکر است که از پای ننشینید تا خواب رفته‌ها را از این خواب مرگبار برانگیزانید؛ و با فاش کردن خیانتها و جنایتهای استعمارگران و پیروان بی‌فرهنگ آنها غفلت‌زده‌ها را آگاه نمایید، و از اختلاف کلمه و تفرقه و هواهای نفسانی که رأس همه فسادهاست احتراز کنید، و به خداوند تبارک و تعالی روی نیاز آورید که شما را در این راه هدایت فرماید، و با جنود فوق طبیعت کمک کند؛ انّهُ وَلِیٌّ قَدیرٌ. قالَ‌اللّه تَعالی و تَقَدَّسَ: وَ الَّذینَ جاهَدُوا فِینا لَنَهْدِیَنَّهُمْ سُبُلَنا وَ إِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِینَ. ۱۳۴۶ ه. ش.

(1). پاسخ امام خمینی(س) به نامه اتحادیه انجمنهای اسلامی دانشجویان در اروپا.

(2).« و آنان که در راه ما جهد و کوشش کردند محققاً آنها را به راه خویش هدایت می‌کنیم و خدا یار نیکوکاران است»؛(عنکبوت/ 69).

آگاه سازی ملتها

بر شما جوانان ارزنده اسلام- که مایه امید مسلمین هستید- لازم می‌باشد که ملتها را آگاه سازید و نقشه‌های شوم و خانمانسوز استعمارگران را برملا نمایید، در شناسایی اسلام بیشتر جدیت کنید، تعالیم مقدسه قرآن را بیاموزید و به کار بندید، با کمال اخلاص در نشر و تبلیغ و معرفی اسلام به ملل دیگر و پیشبرد آرمانهای بزرگ اسلام بکوشید. برای پیاده کردن طرح حکومت اسلامی و بررسی مسائل آن اهتمام بیشتری به خرج دهید. مهذب و مجهز شوید؛ متحد و متشکل شده و صفوف خود را فشرده‌تر سازید؛ هرچه بیشتر همفکر و انسان فداکار بسازید. از برملا کردن نقشه‌های دستگاه جبار ایران علیه اسلام و مسلمین غفلت نورزید. صدای برادران رنجدیده و مسلمان ایران را به دنیا برسانید و با آنان همدردی کنید. به وحشیگریها، آدمکشیها، قانون‌شکنیها و دیگر جنایاتی که پیوسته در ایران جریان دارد اعتراض نمایید. ۱۷/ ۵/ ۵۱

(1). منظور، رژیم شاهنشاهی پهلوی است.

طرد روحانی‌نماهای منحرف

اکنون بر نسل تحصیلکرده مسلمان و مردان روشن‌ضمیرِ آگاه است که با کوششهای همه‌جانبه و از هر راه ممکن، اسلام و پیشوایان اسلامی و مسئولیتهای خطیر و سنگین علمای اسلام را به ملتهای مسلمان برسانند تا مردم آگاه شوند و آن دسته از روحانی‌نماهای منحرف را که مستقیم و غیر مستقیم در خدمت رژیم جبار قرار گرفته‌اند طرد نمایند. اگر ملت اسلام به مبانی نورانی قرآن واقف گردد و به وظایف سنگین علما و پیشوایان اسلام آگاه شود، روحانی‌نماها و آخوندهای درباری در میان اجتماع ساقط خواهند شد. و اگر معممین ساختگی و روحانی‌نماهای بی‌حیثیت در جامعه ساقط شده نتوانند مردم را بفریبند، دستگاه جبار هیچ‌گاه موفق به اجرای نقشه‌های شوم استعمارگران نخواهد شد. ۲۴/ ۱۲/ ۵۱

اشغال لانه جاسوسی، عملی انقلابی

دانشجویان مسلمان و مبارزی که لانه جاسوسی را اشغال کرده‌اند با عمل انقلابی خودشان ضربه‌ای بزرگ بر پیکر امریکای جهانخوار وارد نمودند و ملت را سرافراز کردند. ۴/ ۱۲/ ۵۸

پیروی از راه انبیا

شما دانشجویان از همین راهی که انبیا تعیین کرده‌اند، راه را طی کنید. همین راه خداست؛ همین راهی که انبیا و اولیای خدا پیش پای بشر گذاشتند، این راه خداست و ما همه باید از همین راه حرکت کنیم. کسانی که دعوت بر غیر این راه بکنند طاغوتند و کسانی که مردم را برخلاف مسیر طبیعی خودشان و مسیری که فطرت آنها متوجه به اوست راهنمایی کنند، ضلالت است. من امیدوارم که معلّمین در هر جا هستند، خواهران و برادران معلّم، خواهران و برادران دانشجو، خواهران و برادران عالِم، خودشان را دانشجو بدانند و معلّم. معلّم آنها را به راه راست هدایت انبیا دعوت کند و آنها هم به راه راست هدایت انبیا سفر کنند. ۹/ ۶/ ۵۹

هوشیاری در قبال مسائل دانشگاه

قشر محصلین خصوصاً دانشگاهیان، که لازم است با هوشیاری و تعهد به اسلام و خدمت به کشور مراقب اوضاع و احوال طبقات محصلین و دانشگاهیان باشند که خدای نخواسته یکوقت این مراکز بزرگ تعلیم و تربیت به سوی مسائلی که قبلًا مبتلا بدان بودند کشیده نشود. ۲۲/ ۱۱/ ۶۱

انتظارات امام از دانشجویان

وحدت مذهبی در دانشگاه

سعی کنید در دانشگاه پرچم اسلام را بالا ببرید؛ تبلیغات مذهبی بکنید؛ مسجد بسازید؛ اجتماعاً نماز بخوانید؛ تظاهر به نماز خواندن بکنید. وحدت مذهبی لازم است. وحدت مذهبی است که این اجتماع عظیم و فشرده را ایجاد می‌کند. اگر علاقه به استقلال ایران دارید، وحدت مذهبی داشته باشید. ۲۱/ ۱/ ۴۳

مخالفت با طرحهای استعماری

بر جوانان دانشگاهی است که با حرارت با این طرح مفتضح مخالفت کنند؛ با آرامش و با شعارهای حساس، مخالفت دانشگاه را به ملتهای دنیا برسانند. بر دانشجویان ممالک خارجه است که در این امر حیاتی که آبروی مذهب و ملت را در خطر انداخته، ساکت ننشینند. ۴/ ۸/ ۴۳

(1). اشاره به تصویب طرح ذلت‌بار کاپیتولاسیون.

دفاع از اسلام

وظیفه عموم مسلمانان و خصوص علمای اعلام و روشنفکران و دانشگاهیهای علوم قدیمه و جدیده است که برای دفاع از اسلام عزیز و حفظ احکام حیاتبخش آن، که ضامن استقلال و آزادی است، و از میهن بزرگ خود- که مهد بزرگان و آزادیخواهان بوده و اکنون در شرف سقوط است- از فرصت استفاده کنند و گفتنیها را بگویند و بنویسند و به گوش مقامات بین‌المللی و سایر جوامع بشری برسانند. ۲۱/ ۸/ ۵۶

خودیابی و خودباوری

شما دانشجوهای عزیز خودتان در صدد این باشید که از غربزدگی بیرون بیایید. این گمشده خودتان را پیدا کنید. گمشده شما خودتان هستید. شرق خودش را گم کرده و شرق باید خودش را پیدا بکند. آنها در صددند که با هر ترتیب شده است خودشان را به ما تحمیل کنند، و شما باید مقاومت کنید. شمایی که می‌خواهید مستقل باشید، می‌خواهید آزاد باشید، می‌خواهید خودتان سرپای خودتان ایستاده باشید، باید همه قشرها در این مملکت، همه قشرها بنای بر این بگذارند که خودشان باشند. ۱۲/ ۱۰/ ۵۸

حفظ انسجام

متفکرهای ما، روشنفکرهای ما، همه دانشجویان و دانشگاهیان، بدانند که نقشه این است و آثارش را ما داریم می‌بینیم. این گروه‌گروه‌شدنها برای همین است که نگذارند این انسجامی که بوده حفظ شود. می‌خواهند نگذارند مردم بیدار بشوند و راه خودشان را پیدا کنند؛ همان راهی را که اسلام دستور داده که همه با هم باشید. خداوند وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّه جَمِیعاً وَ لا تَفَرَّقُوا را بر مردم واجب کرده. همه با هم باشید و تفرق در کار نباشد. با تفرق همه فسادها هست. و با تمسک به خداوند همه صلاح و سعادتها هست. خداوند ان‌شاءاللّه همه شما را و همه ما را و همه ملت را بیدار کند. و همه ما در راه اسلام و در راه استقلال مملکت و در راه حقیقت و آزادی قدم بردارد و این نهضت را به آخر برسانیم. ۶/ ۴/ ۵۸

مقابله با منحرفان و تفرقه‌افکنان

آنچه کراراً تذکر داده‌ام، و رمز پیروزی است؛ اتحاد گروههای دانشجویی و تشکیل یک گروه اسلامی- ملی است در مقابل منحرفان که کوشش دارند تفرقه بیفکنند، و شما جوانان عزیز را- که امید کشور هستید و سعادت و ترقی میهن بسته به فعالیت شماست- به تباهی بکشند و نگذارند در راه تعالی کشور قدم بردارید، و به علم و ادب- که مایه پیشرفت و رهایی از استعمار و استثمار نو و کهنه است- اشتغال پیدا کنید. و باید بدانید اختلاف و تفرقه سرچشمه تمام بدبختیها و اسارتهاست. ممکن است عناصر فاسدی در دانشگاه و سایر مدارس در بین جوانان ما نفوذ کنند و با برنامه‌ای حساب شده تفرقه‌افکنی کنند. لازم است با هوشیاری آنان را شناسایی کنید و بشناسانید، که جوانان عزیز ما از توطئه آنان مطّلع شوند، و در راه خنثی نمودن آن کوشا شوند. ۳۱/ ۶/ ۵۸

تقویت ایمان خویش

کوشش کنید که در این دانشکده‌ها و دانشگاهها که هستید، ایمان را در خودتان تقویت بکنید. ایمانی که هم در اینجا شما را شرافتمند می‌کند و هم در پیشگاه حق آبرو دارید و با آبرومندی وارد می‌شوید به حق تعالی. ۱۵/ ۳/ ۵۹

کوشش برای اعتلای کشور

امروز که کشور از استقلال شایسته برخوردار است و قید و بند غرب و شرق و غربزدگان و شرقزدگان از کشور و دانشگاه گسسته شده است، جوانان عزیز دانشگاهی هرچه بیشتر در کسب علوم و فنون در اعتلای کشور معظم خود کوشش نمایند؛ و از نفوذ عناصر منحرف و وابسته به چپ و راست قاطعانه جلوگیری کنند، و نگذارند محیط مقدس دانشگاه آلوده به اغراض منحرفان و وابستگان به اجانب گردد. و اگر انحراف و گرایشی به شرق و غرب خدای نخواسته از اساتید یا دانشجویان مشاهده کردند، به ستاد فرهنگی اطلاع دهند، و در رفع آن با ستاد همراهی لازم را بنمایند. ۸/ ۶/ ۶۲

دخالت در امور سیاسی

در دانشگاه بعض از اشخاص رفته‌اند گفته‌اند که دخالت در انتخابات، دخالت در سیاست است و این حق مجتهدین است. تا حالا می‌گفتند که مجتهدین در سیاست نباید دخالت بکنند، این منافی با حق مجتهدین است، آنجا شکست خورده‌اند حالا عکسش را دارند می‌گویند. این هم روی همین زمینه است، اینکه می‌گویند انتخابات از امور سیاسی است و امور سیاسی هم حق مجتهدین است هر دویش غلط است. انتخابات سرنوشت یک ملت را دارد تعیین می‌کند. انتخابات بر فرض اینکه سیاسی باشد و هست هم، این دارد سرنوشت همه ملت را تعیین می‌کند، یعنی آحاد ملت سرنوشت زندگیشان در دنیا و آخرت منوط به این انتخابات است. این اینطور نیست که انتخابات را باید چند تا مجتهد عمل کنند. این معنی دارد که مثلًا یک دویست تا مجتهد در قم داشتیم و یک صد تا مجتهد در جاهای دیگر داشتیم، اینها همه بیایند انتخاب کنند، دیگر مردم بروند کنار؟! این یک توطئه‌ای است که می‌خواهند همان طوری که در صدها سال توطئه‌شان این بود که باید روحانیون و مذهب از سیاست جدا باشد و استعمارهای زیاد کردند و ما ضررهای زیاد از این بردیم، الآن هم گرفتار ضررهای او هستیم. حالا دیدند آن شکست خورد، یک نقشه دیگر کشیدند، و آن این است که انتخابات حق مجتهدین است، انتخابات یا دخالت در سیاست حق مجتهدین است. دانشگاهیها بدانند این را که همان طوری که یک مجتهد در سرنوشت خودش باید دخالت کند، یک دانشجوی جوان هم باید در سرنوشت خودش دخالت کند. فرق مابین دانشگاهی و دانشجو و مثلًا مدرسه‌ای و اینها نیست، همه‌شان با هم هستند. اینکه در دانشگاه رفتند و یک همچو مطلبی را گفتند، این یک توطئه‌ای است برای اینکه شما جوانها را مأیوس کنند. بیدار باشید! توجه کنید! اینها با توطئه‌هایشان می‌خواهند کار را انجام بدهند، نمی‌توانند با دخالت نظامی کار بکنند، اینها می‌خواهند با شیطنتهایشان کار خودشان را انجام بدهند. آن وقت شیطنت این بود که سیاست از مذهب خارج است و بسیار ضرر به ما زدند و ما بسیار ضرر خوردیم و آنها هم بسیار نفع بردند. این مطلب شکست خورده. حالا می‌گویند که سیاست حق مجتهدین است یعنی، در امور سیاسی در ایران پانصد نفر دخالت کنند، باقیشان بروند سراغ کارشان. یعنی مردم بروند سراغ کارشان، هیچ کار به مسائل اجتماعی نداشته باشند، و چند نفر پیرمرد ملّا بیایند دخالت بکنند. این از آن توطئه سابق بدتر است برای ایران. برای اینکه، آن یک عده از علما را کنار می‌گذاشت، منتها به واسطه آنها هم یک قشر زیادی کنار گذاشته می‌شوند، این تمام ملت را می‌خواهد کنار بگذارد. یعنی نه اینکه این می‌خواهد مجتهد را داخل کند، این می‌خواهد مجتهد را با دست همین ملت از بین ببرد. باید دانشگاهیها متوجه باشند که اگر چنانچه افرادی در دانشگاه هستند که شیطنت دارند می‌کنند، اینها را باید توجه کنند که گول اینها را نخورند. خودشان دخالت در امور انتخابات بکنند. انتخابات سرنوشت حتی شمایی که در آنجا هستید را تعیین می‌کند. ۹/ ۱۲/ ۶۲

نجات قرآن کریم

هان ای حوزه‌های علمیه و دانشگاههای اهل تحقیق! بپاخیزید و قرآن کریم را از شرّ جاهلان مُتنسِّک و عالمان متهتک که از روی علم و عمد به قرآن و اسلام تاخته و می‌تازند، نجات دهید. و اینجانب از روی جِد، نه تعارف معمولی، می‌گویم از عمر به باد رفته خود در راه اشتباه و جهالت تأسف دارم. و شما ای فرزندان برومند اسلام! حوزه‌ها و دانشگاهها را از توجه به شئونات قرآن و ابعاد بسیار مختلف آن بیدار کنید. تدریس قرآن در هر رشته‌ای از آن را مَحطّ نظر و مقصد اعلای خود قرار دهید. مبادا خدای ناخواسته در آخر عمر که ضعف پیری بر شما هجوم کرد از کرده‌ها پشیمان و تأسف بر ایام جوانی بخورید همچون نویسنده. ۱۶/ ۵/ ۶۵

تلفیق دو فرهنگ

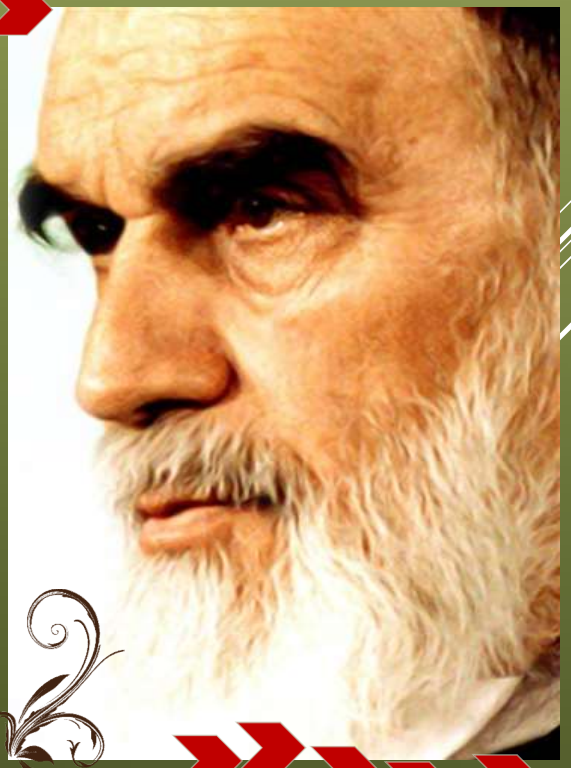

علما و روحانیون ان‌شاءاللّه به همه ابعاد و جوانب مسئولیت خودآشنا هستند ولی از باب تذکر و تأکید عرض می‌کنم امروز که بسیاری از جوانان و اندیشمندان در فضای آزاد کشور اسلامی‌مان احساس می‌کنند که می‌توانند اندیشه‌های خود را در موضوعات و مسائل مختلف اسلامی بیان دارند، با روی گشاده و آغوش باز حرفهای آنان را بشنوند. و اگر بیراهه می‌روند، با بیانی آکنده از محبت و دوستی راه راست اسلامی را نشان آنها دهید. و باید به این نکته توجه کنید که نمی‌شود عواطف و احساسات معنوی و عرفانی آنان را نادیده گرفت و فوراً انگِ التقاط و انحراف بر نوشته‌هاشان زد و همه را یکباره به وادی تردید و شک انداخت. اینها که امروز اینگونه مسائل را عنوان می‌کنند مسلماً دلشان برای اسلام و هدایت مسلمانان می‌تپد، و الّا داعی ندارند که خود را با طرح این مسائل به دردسر بیندازند. اینها معتقدند که مواضع اسلام در موارد گوناگون همان‌گونه‌ای است که خود فکر می‌کنند. به جای پرخاش و کنار زدن آنها با پدری و الفت با آنان برخورد کنید. اگر قبول هم نکردند، مأیوس نشوید. در غیراین صورت خدای‌ناکرده به دام لیبرالها و ملی‌گراها و یا چپ و منافقین می‌افتند؛ و گناه این کمتر از التقاط نیست. وقتی ما می‌توانیم به آینده کشور و آینده‌سازان امیدوار شویم که به آنان در مسائل گوناگون بها دهیم، و از اشتباهات و خطاهای کوچک آنان بگذریم، و به همه شیوه‌ها و اصولی که منتهی به تعلیم و تربیت صحیح آنان می‌شود احاطه داشته باشیم. فرهنگ دانشگاهها و مراکز غیرحوزه‌ای به صورتی است که با تجربه و لمس واقعیتها بیشتر عادت کرده است، تا فرهنگ نظری و فلسفی. باید با تلفیق این دو فرهنگ و کم‌کردن فاصله‌ها، حوزه و دانشگاه درهم ذوب شوند، تا میدان برای گسترش و بسط معارف اسلام وسیعتر گردد. ۲۹/ ۴/ ۶۷